

طارق هزیز به تهران رفت

در پشت پرده چه می گذرد؟

روز جمعه گذشته طارق هزیز وزیر امور خارجه عراق برای مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی به تهران رفت. سفر طارق هزیز به تهران گام مهمی در بهبود مناسبات دو رژیم تلقی شده است. این سفر به ابتکار و خواست بغداد صورت گرفته است. رژیم عراق از مدتها قبل خواهان اعزام هیئتی به منظور گفتگو با سران رژیم ایران به تهران شده بود، جمهوری اسلامی موافقت با این پیشنهاد را به پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط رژیم عراق منوط ساخت. پس از اینکه عراق اعلام کرد خواستهای ایران برای برقراری صلح را می پذیرد، خود بخود شرایط برای سفر هیئت تأمین شد. هلی کوبر ولایتی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که جمهوری اسلامی با سفر طارق یوحنا هزیز به تهران موافقت کرده است و بدنبال آن طارق هزیز پس از دیدار از مسکو، جمعه گذشته وارد تهران شد. تازمان تنظیم این خبر هنوز نتایج سفر طارق هزیز به تهران به حاصل گفتگوهای او با مقامات ایرانی منتشر شده است. بهبود روابط ایران با کشورهای همسایه و بویژه عراق که ۸ سال درگیر جنگ با ایران بوده است، همواره مورد تأیید مآثران داشته است. توسل به مذاکره و گفتگوهای سیاسی برای

حل اختلافات فی مابین، اصلی پذیرفته شده در جهان امروز است و از این نظر گفتگوهای میان مقامات دو کشور در هر سطحی، نمی تواند مورد مخالفت قرار بگیرد. اما آنچه بویژه در روزهای اخیر توجه نیروهای اپوزیسیون را به خود جلب کرده است، محتوای این مذاکرات و توافقاتی است که در پشت پرده بین دو رژیم صورت گرفته و می گیرد. اکنون یک ماه پس از اعلام موافقت عراق با ایران، جزئیات و اخبار تازه ای از توافقات پشت پرده و پنهانی بین دو رژیم فاش شده است. بدنبال فاش شدن متن نامه مورخ ۳۰ ژوئن صدام حسین به هاشمی رفسنجانی، معلوم شد که روند توافقات دو کشور در مورد شط العرب و قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر خلاف آن چیزی است که رژیم ایران وانمود ساخته و از آن بعنوان پیروزی بزرگ خود یاد می کند. صدام حسین در نامه فوق رسماً مدعی حاکمیت کامل عراق بر شط العرب شده است و اعلام کرده که تنها حق کشتیرانی و ماهیگیری توسط ایران را در این رودخانه مرزی می پذیرد. ادعای صدام حسین مخالف قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر می باشد. مطابق این قرارداد مرز بین دو کشور بر اساس خط تالوک تعیین

می شود و هر کشور در آبهای کشور خود حاکمیت کامل دارد. سکوت جمهوری اسلامی در برابر ادعای صدام مبنی بر مالکیت تام و تمام عراق بر شط العرب به معنای موافقت رژیم با این ادعا و پذیرش خواسته عراق ارزیابی شده است. هلی رشم اعتراضات گسترده ای که پس از فاش شدن متن نامه ۳۰ ژوئن صدام حسین توسط نیروهای مخالف رژیم ایران صورت گرفته، جمهوری اسلامی همچنین به سکوت معنی دار خود در این مورد ادامه می دهد.

در کنار این سکوت، مواضع جمهوری اسلامی در مورد بحران خلیج فارس، احتمال توافقات پشت پرده و فاش نشده بین دو رژیم را افزایش می دهد. طی روزهای اخیر تبلیغات رژیم در اعتراض به حضور نیروهای امریکایی در منطقه پر رنگ تر شده و اشغال کویت توسط عراق کاملاً تحت شعاع آن قرار گرفته است. رژیم ایران اعلام کرده است که به عراق دارو می فرستد و زمزمه هایی در مورد بازگذاشتن بخشی از مرزهای ایران برای مقابله با محاصره اقتصادی عراق به گوش می رسد. مجموعه اخبار تایید شده و تایید نشده ای که از توافقات پنهانی در دست است. همه این نظر را تقویت می کند که بقیه در صفحه ۲

ار تباط ما با دستگاه های جاسوسی بگیرند. گریم شکایت یا گزارشی از این سوی مرز شده باشد، مگر در دوران انقلاب، بسیاری از مسئولان کنونی کشور که در بازداشت یا تبعید بودند به سازمان های بین المللی شکایت نبردند؟ مگر رهبر فقید انقلاب از ظلم و جور حکام ایران و عراق و نامساعد بودن وضع سیاسی سایر بقیه در صفحه ۴

بدنبال توافق اوپک بهای نفت سقوط کرد

بدنبال تصمیم اجلاس فیر رسمی اوپک مبنی بر افزایش قیمت نفت توسط کشورهای صادر کننده، بهای این ماده خام به میزان چشمگیری کاهش یافت و در کمتر از یک روز از قیمت هر بشکه نفت خام حدود ۵۵ دلار کاسته شد. مطابق گزارش خبرگزاریها پس از تصمیم اخیر اوپک، هر بشکه نفت خام منطقه خلیج فارس بین ۲۲/۳۰ تا ۲۲/۸۱ دلار به فروش رفته است. اقدام سازمان اوپک برای

ارسال بمب پستی برای یکی از رهبران کرد

هفت قاضی در انفجار بمب پستی در استکهلم کشته شد

رسانه های سوئد و ناظرین امر جمهوری اسلامی را مسئول این جنایت اعلام کردند.

قاضی دختر بزرگ قاضی محمد رهبر جنبش دموکراتیک خلق کرد بود. بسته ارسال توسط تروریست ها را هفت قاضی کشته بود. این بسته برای امیر قاضی ارسال شده بود.

امیر قاضی تا سال ۱۳۶۱ از رهبران حزب دموکرات کردستان ایران بود. از آن پس وی از حزب دموکرات جدا شد. امیر قاضی نشریه آلا (پرچم) را منتشر می کرد. وی حزب استقلال کردستان را بنیان گذاشت و برای ایجاد جبهه اتحاد کردستان مرکب از همه نیروهایی که به استقلال کردستان معتقدند تلاش می کند.

عمل جنایتکارانه ارسال بمب پستی خشم و توجه وسیع افکار عمومی در سوئد را برانگیخته بقیه در صفحه ۲

موج تازه سرکوب در ایران

رژیم نشریه آدینه را توقیف کرد

گفته می شود که بیش از ۵۰ نفر در جریان یورش حکومت به نشریه آدینه دستگیر شده اند.
خانم مهرنوش پارسا پوری نویسنده مشهور دستگیر شد

حبرهای رسیده از تهران حاکی است که مأموران سرکوبگر رژیم اواخر هفته گذشته دفتر نشریه آدینه را که در تهران منتشر می شود، مورد هجوم قرار داده و مانع انتشار آن شده اند. مطلعین در تماس تلفنی با خارج گفته اند که در جریان هجوم به این نشریه نزدیک به ۵۰ تن از نویسندگان و کارکنان آن دستگیر شده اند. در میان دستگیر شدگان چهره های سرشناس ادبی و فرهنگی کشور به چشم می خورد. خبر دیگری حاکی است که خانم مهرنوش پارسا پوری نویسنده مشهور ایرانی نیز به جرم نوشتن کتاب "زنان بدون مردان" دستگیر شده است.

هنوز جزئیات بیشتری از اقدامات سرکوبگرانه تازه رژیم منتشر نشده است، اما بخوبی روشن است که این اقدام ادامه روشهای خصمانه و مستبدانه ای است که رژیم طی اواخر دهه های اخیر در برابر هرگونه ندای مخالف پیشه کرده است. اقدامات و حملات تند علیه آزادیخواهانی که نامه ۹۰ نفره را منتشر ساختند، دستگیری گروه بزرگی از آنان به جرم جاسوسی، اعتراف گرفتن تلویزیونی از مخالفین، تعطیل نشریات غیر حکومتی، دستگیری نویسندگان و هنرمندان در داخل کشور و توسل به اقدامات تروریستی در خارج از کشور، مجموعه های از سیاستهای سرکوبگرانه ای هستند که رژیم در ماههای اخیر کوشیده است با توسل به آنها، نیروهای مخالف خود را مرعوب کند و خاموش سازد. توسل آشکار رژیم به قلع و قمع و سرکوب بصر صدای مخالف بیانگر خصلت مستبدانه و چاره ناپذیر خودکامان حاکم بر ایران است.

ما همه نیروهای آزادیخواه کشورمان را فرا می خوانیم تا یکصدا به اعتراض خشم و توجه وسیع افکار آزادی دستگیر شدگان اخیر و تأمین فعالیت نویسندگان و هنرمندان ایرانی تحت فشار قرار دهند.

وضعیت انفجاری منطقه



هرستان سعودی پرداخت بخش مهمی از هزینه لشکرکشی آمریکا به منطقه را تقبل کرد.

هم اکنون تعداد سربازان امریکایی مستقر در منطقه متجاوز از صد هزار نفر شده اند. اوضاع به شدت انفجاری است و شاید هیچ کس نداند که رویدادها در چه جبهتی سیر خواهند کرد. زمین یک جنگ تمام هیار فراهم است، اما در همین حال هیچ یک از طرفین درگیری نمی توانند سرانجام جنگ و هواقب آن را

خواب پرز دو کوئیلار دبیرکل سازمان ملل متحد که به بردبار بودن و خوددار بودن شهرت دارد، پس از ملاقات خود با طارق هزیز وزیر خارجه عراق در امان پایتخت اردن، نتیجه این دیدار را دلسرده کننده ارزیابی کرد. عراق همچنان حاضر نیست به اشغال کویت پایان دهد و ظاهراً می خواهد استراتژی اشغال را با سرسختی پی گیرد. از سوی دیگر

افزایش تولید نفت، پس از چندین روز گفتگوهای فشرده و مخالفت های شدید ایران صورت گرفت. مبتکر این تصمیم کشورهای عربستان سعودی و ونزولا بودند. این کشورها همزمان با تحریم اقتصادی عراق و کویت خواهان افزایش تولید سایر کشورهای عضو اوپک شدند. تحریم اقتصادی عراق و کویت موجب بگردید که روزانه نزدیک به ۴ میلیون بشکه از صدور نفت خام سازمان اوپک کاسته شود. این کاهش چشمگیر به افزایش سریع قیمت نفت انجامید و قرب بقیه در صفحه ۲

ترکان قهرمان جهان شد

امیر خادم و محمد حسن محبی برنز گرفتند



در آخرین لحظات به زیر چاپ رفتن "اکثریت" خبردار شدیم که مسابقات کشتی آزاد تهرمانی جهان به پایان رسید. مجید ترکان، کشتی گیر خوش استیل مازنی، موفق شد با شکست حریفان و کسب مدال طلای وزن ۵۲ کیلوگرم، تنها طلای ایران در این دوره از مسابقات را دشت کند. امیر خادم و محمد حسن محبی نیز توانستند به ترتیب در

وزن های ۷۴ و ۹۰ کیلوگرم به مدال برنز جهانی دست یابند.

طارق عزیز به تهران رفت

در پشت پرده چه می‌گذرد؟

بقیه از صفحه اول

دو رژیم با هم به معامله نشسته‌اند. بغداد صلح با ایران را پذیرفته و تهران سیاست بی‌طرفی در مورد اشغال کویت را اساس برخورد خود با بحران خلیج فارس قرار داده است. توافقات اعلام نشده دو رژیم می‌تواند ابعاد دیگری هم داشته باشد. سیاست دو رژیم نسبت به نیروهای اپوزیسیون مستقر در خاک ایران و عراق را باید با حساسیت تعقیب نمود. تعطیلی رادیوی مجاهدین که از عراق

پخش می‌شد و تشدید تبلیغات خصمانه در روزنامه‌های ایران علیه مجاهدین می‌تواند زمینه ساز و پیش درآمد توطئه مشترک دو رژیم علیه این سازمان باشد. مجموعه این رویدادها بدین نسبت به توافقات پنهانی علیه منافع مردم دو کشور در جریان برقراری صلح را تشدید می‌کند. سیاست صلح بین دو کشور نباید بگونه‌ای پیش رود که به نفع و خیانتهای تازه‌های منجر گردد. صلح میان دو کشور باید بر پایه پذیرش بدون تید و شرط قرار داد

الجزایر و تامین حاکمیت کامل ایران بر مرزهای خود با عراق صورت گیرد. تامین صلح میان دو کشور نباید منجر به بیطرفی و یا احتمالاً مواضع تایید آمیز ایران نسبت به اشغال کشور کویت توسط عراق گردد. و بالاخره تامین صلح نباید به معامله بر سر نیروهای اپوزیسیون مستقر در خاک ایران و عراق بیانجامد. خبرهای جسته و گریخته‌ای که از پشت پرده می‌رسد بی‌اهمادی عمومی به جمهوری اسلامی را تشدید می‌کند. راه جلوگیری از

خیانت‌های تازه این رژیم آشکار شدن کلیه گفتگوها و توافقات پنهانی دو کشور و در گام اول انتشار کامل نامه‌های رد و بدل شده بین صدام حسین و هاشمی رفسنجانی می‌باشد. جمهوری اسلامی باید جزئیات مذاکرات طارق عزیز با مقامات ایرانی و نظر خود نسبت به سولاتی که پیرامون توافقات دو رژیم از جمله ادعای عراق در مورد شط العرب وجود دارد را رسماً اعلام کند تا مردم بفهمند که پشت ادعاهای رژیم چه نهفته است.

بقیه از صفحه اول

است. این خشم هم از نحوه انجام این جنایت و هم نفس انجام آن منشأ می‌گیرد. این احتمال وجود داشت که در انفجار این بمب افراد بی‌گناه دیگری منجمله دو کودک خانواده قاضی نیز کشته شوند. منابع مطلع و رسانه‌های سوئد این جنایت را حلقه‌ای از زنجیره ترورهای سیاسی انجام یافته توسط جمهوری اسلامی ارزیابی کرده‌اند و بویژه بر مورد ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو در وین

ارسال بمب پستی

برای یکی از رهبران کرد

تاکید کرده‌اند.

امیر قاضی و چندتن دیگر از مطلعین امر طی مصاحبه‌هایی از جمهوری اسلامی را عامل این جنایت دانسته‌اند.

ما ضمن ابراز تاسف شدید از کشته شدن خدای ممت قاضی و احساس ممدردی با بازماندگان وی نفرت و انزجار خود را از عاملین این جنایت ابراز داشته و اعلام می‌داریم که جمهوری اسلامی رژیم‌هایی که آنچنان تبهکار و دامن آلوده است که قطعاً در جایگاه نخست متهمان این جنایت هوناک قرار می‌گیرد.

بدنبال توافق اوپک بهای نفت سقوط کرد

بقیه از صفحه اول

سازمان خواند. مقامات جمهوری اسلامی تصمیم اوپک و بویژه اقدامات عربستان را در جهت منافع آمریکا و غرب ارزیابی کردند.

برخی از ناظران گفته‌اند که موضع ایران در جهت مخالفت با افزایش نفت مورد رضایت و تایید رژیم عراق بوده است. ناظران سیاسی طرفدار رژیم در تهران پنهان نمی‌کنند که یکی از انگیزه‌های عراق در پذیرش خواسته‌های ایران، تشویق جمهوری اسلامی به عدم افزایش تولید نفت با این هدف که بحران اقتصادی و نفتی جهان، آمریکا و غرب را مجبور سازد از فشار خود بر عراق بکاهد، بوده است. عراق بطور مکرر از کشورهای عربی عضو اوپک نیز خواسته بود که از افزایش تولید نفت خودداری کنند.

هر چند توافق فیروز سمنی اوپک اقدام بزرگی در جهت کمک به غرب برای غلبه بر بحران نفتی خود می‌باشد. اما بنظر نمی‌رسد که این توافق بتواند به رفع کامل نیازهای کشورهای صنعتی غربی بیانجامد. مطابق پیش‌بینی هفته‌نامه اقتصادی "مید" چاپ لندن هنوز هم بازار جهانی نفت با کمبودی به مقیاس یک تا ۱/۵ میلیون بشکه در روز مواجه خواهد بود.

عدم ثبات و بحران در بازار نفت تا آینده، دست کم تا زمانی که خلیج فارس در کام بحران و آماده بروز حوادث پیش‌بینی نشده است، هم‌چنان وجود خواهد داشت.

را با بحران کمبود نفت مواجه ساخت. کشورهای غربی برای جبران این کمبود ناچار شدند ذخایر استراتژیک خود را مورد مصرف قرار دهند.

عربستان، ونزوئلا و چند کشور کوچک نفت خیز منطقه خلیج فارس برای مقابله با این بحران، احساس اضطراری و فیررسمی اوپک را تشکیل دادند. وزرای نفت عراق، لیبی و کویت در این احساس شرکت داشتند. اوپک تصمیم گرفت برای مقابله با بحران پدید آمده توافقات اجلاس پیشین در مورد سمیه‌بندی موقتاً کنار گذاشته شود و هر کشور بر اساس میزان توانایی‌های خود به افزایش تولید اقدام کند. این شرکت کننده در اجلاس (به‌فیراز ایران) مورد پشتیبانی قرار گرفت. بدنبال این توافق سخنگوی اوپک اعلام کرد که تصمیم تازه فقط تا زمانی که بحران خلیج فارس ادامه دارد معتبر خواهد بود و پس از رفع این بحران، کشورهای عضو مجدداً به سمیه‌بندی قبلی باز خواهند گشت. در بیانیه اوپک از ممالک صنعتی غرب خواسته شده که برای مقابله با بحران نفت با این سازمان همکاری کنند و از نفتی که در انبارهای خود ذخیره کرده‌اند، استفاده کنند. آقا زاده وزیر نفت ایران بلافاصله پس از پایان اجلاس طی مصاحبه‌ای ناراضی‌تانی ایران از تصمیم اوپک را اعلام داشت و آنرا اشتباه بزرگ تاریخی این

وضعیت انفجاری منطقه

دیدار کردند تا علاوه بر توافق بر سر یک "نظم جدید جهانی" بر روی بحران خاورمیانه هم مذاکره داشته باشند. تا لحظه تنظیم این مقاله نتایج دیدار سران آمریکا و شوروی روشن نشده است. از اظهارات هفته پیش مقامات دو کشور این گونه بر می‌آید که شوروی همچنان بر سر این موضع که اگر قرار است اقدامی علیه صدام حسین صورت گیرد، باید این کار زیر چتر سازمان ملل انجام پذیرد، مصرات. گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه اتحاد شوروی در هفته گذشته اعلام کرد که شوروی آماده است در چارچوب یک نیروی نظامی تحت فرمان سازمان ملل سر باز به منطقه گسیل کند. این موضع اگر چه به لحاظی، اصولی و منطقی به نظر می‌رسد، اما نشان دهنده حالت پاسیو شوروی در وضعیت کنونی است. ابتکار عمل در منطقه به طور کامل در دست آمریکاست. مسئولیت هر فاجعه‌ای نیز که پیش آید، به طور مستقیم متوجه تصمیماتی است که در واشنگتن گرفته می‌شود.

در جهان عرب

نیروهای مصری مستقر در عربستان کاملاً با نیروهای آمریکایی چفت شده‌اند. امارات متحده کمک رسان مهمی به نیروهای آمریکایی در منطقه است. سوریه بین دو موضع

عطف توجه به هلسینکی در روز شنبه هفته گذشته گورباچف و بوش در هلسینکی



© 1990 MIKE PETERS-DAYTON DAILY NEWS

خاموشی مرغ سحر

مرگ استاد نی داوود که در اوایل ماه گذشته در لس‌آنجلس آمریکا اتفاق افتاد، اندوخی بزرگ بردل هنر دوستان و دوستداران موسیقی ایرانی برجای گذاشت.

مرتضی داوود، تاریخ موسیقی ایران را در سینه داشت و هر چند که آثار او بیانگر بخشی از دانسته‌هایش در زمینه موسیقی ایران بود، با این همه از گنجینه دانسته‌های او هنوز می‌بایست بهره جست و هنوز ناگفته‌ها و نانوخته‌هایی در سینه داشت که می‌بایست به رشته تحریر در آید.

او ممتازترین شاگرد استاد درویش‌خان بود. نشان تبرزین طلای استادش را همیشه به همراه داشت و از آن مهم‌تر دانش استاد را با قدرت ابتکار در نوازندگی و تریحه‌آهنگسازی خویش در هم آمیخته بود. نامش با اثر ماندگارش ترانه شور انگیز "مرغ سحر" که بر شعر گویای ملک الشعراء بهار ساخته بود، ماندگار شد و یادش در قلب‌های همه دوستداران موسیقی ایرانی و بر تاریخ موسیقی ایران جاودان.

در تهران به دنیا آمده بود و در خانواده‌ای دوستدار و دست‌اندر کار موسیقی، از نوجوانی به نوازندگی تار پرداخت و در جوانی نوازنده برجسته تار شد و از جانب استادش درویش‌خان به عنوان برجسته‌ترین نوازنده تار شناخته شد. چندی بعد مدرسه موسیقی "درویش‌خان" را بنا نهاد و سالهای بسیار به آموزش موسیقی و تربیت نوازندگان و آهنگسازان پرداخت. قمرالملوک زودی یکی از ماندگارترین چهره‌های آواز ایران از شاگردان او بود. در سال ۱۳۱۹ (چهل سالگی) در کنار ابوالحسن صبا، سمایی، مشیرهمایون شهردار، عبدالحسین شهبازی، اداره بخش موسیقی رادیو ایران را برعهده گرفت، در سال ۱۳۴۰ یک ردیف کامل موسیقی ایرانی را ضبط کرد و انتشار داد و ...

مرتضی نی داوود در سال ۱۳۵۹ برای دیدار فرزندانش به آمریکا سفر کرد و پس از فوت همسرش، همانجا در کنار فرزندانش ماندگار شد. استاد مرتضی نی داوود در هنگام مرگ ۹۰ سال داشت.

مردم درست نام‌گذاری می‌کنند

میلیون تن کاهش یافته و در مورد دیگر اقلام نفلات نیز همین وضع وجود دارد.

در گزارشی که در جریان بحث مربوط به تفکیک و ظایف وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی به مجلس داده شد و در کیهان به چاپ رسید در زمینه مورد ادعایی رئیس جمهور گفته شده است. "در طی ده سال اخیر میزان وابستگی کشور به واردات محصولات کشاورزی رشدی بسیار سریع داشته است. بطوری که حجم واردات این اقلام از رقم ۲۷۴۹ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ به حدود ۸۷۲ میلیون تن در سال ۱۳۶۶ رسیده است." گزارش تأکید می‌کند که این روند همچنان ادامه دارد و نتیجه‌گیری نمود: "به این ترتیب ملاحظه می‌شود که هملاک کشور - هلیرفم میل باطنی - به سمت وابستگی هر چه بیشتر به واردات محصولات کشاورزی متمایل شده است."

۳- هاشمی رفسنجانی در گزارش خود مدعی شد که دولت در زمینه رشد صنایع سنگین به موفقیت‌های بسیار بزرگی دست یافته است. وی از جمله در آماری که ارائه داد گفت تولید انواع اتوبوس و مینی‌بوس در طی چهار ماهه سال جاری حدود ۹۰۰۰ عدد افزایش یافته است.

شهر دار تهران طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان (۸ شهریور) اعلام کرد "هلیرفم افزایش جمعیت و گسترش شهر تهران تعداد اتوبوس‌های فعلی حتی از رقم ۲۷۰۰ دستگاه اتوبوس سال ۱۳۴۹ نیز کمتر است." بررسی گزارش نکته به نکته آقای رئیس‌جمهور را میتوان ادامه داد، اما همین اندازه کافی است که به درستی نامگذاری استادانه مردم در مورد این مرد خودستا و مردم‌خیز پی‌برد: "کبر چاخان!"

۱- هاشمی رفسنجانی در گزارش عملکرد اقتصادی دولت که به مناسبت هفته دولت ارائه کرد، مدعی شد که طی یک سال گذشته دولت در زمینه‌های اقتصادی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. وی ادعا کرد که تورم را مهار کرده و از ۲۷ درصد در سال ۶۵ به رقمی بسیار کمتر از ۱۹ درصد در سال جاری رسانده است. تولید مهم در زمینه صنایع سنگین و هم صنایع سبک مصرفی افزایش داده است و خلاصه آنکه گرانی و فقر را مهار نموده است.

مرکز آمار ایران، در آماری که اخیراً از درآمدها و هزینه‌های خانوارهای شهری و روستایی منتشر کرد، پیکره‌هایی ارائه داد که در ونگویی‌ها و خودستایی‌های رئیس‌جمهور را آشکار می‌سازد. مطابق این پیکره‌ها درآمد یک خانوار شهری در سال ۶۷ بطور متوسط ماهانه حدود ۱۱۱ هزار ریال و هزینه آن در همین مدت ۱۵۰ هزار ریال بوده است. در خانوارهای روستایی این ارقام به ترتیب برابر ۷۵۷۱۹ و ۸۸۲۰۲ ریال بوده است. یعنی هر خانواده شهری طی ماه نزدیک به ۴۰ هزار و هر خانوار روستایی ۱۳ هزار ریال کسری درآمد داشته‌اند! یعنی ساده این ارقام یعنی وجود فقر گسترده‌تورم، کمبود و... بر خلاف خودستایی‌های رفسنجانی نه فقر، نه تورم و نه کمبودها هیچ کدام در سال ۶۹ کمتر از ۶۷ نشده است.

۲- هاشمی رفسنجانی در گزارش عملکرد اقتصادی دولت مدعی بهبود وضع کشاورزی شد و گفت "در بخش کشاورزی امکانات گوناگونی در اختیار کشاورزان قرار داده شده و بسیاری از محصولات کشاورزی با افزایش تولید همراه بوده‌اند. وی گفت واردات گندم از خارج ۱/۵

تفکر نوین سیاسی

درباره آزمون کویت

جهانی، دود آسمان می‌شد. اگر چنین می‌شد، اتحاد شوروی علیه منافع و تمام اصول اعلام شده در تفکر نوین سیاسی خویش عمل کرده بود. لذا مسکو، الحاق کویت را جدا محکوم کرد و به پشتیبانی از سیاست تحریم عراق برخاست.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت: اگر در سالهای "جنگ سرد" که تا همین اواخر هم ادامه داشت - هر درگیری منطقه‌ای، الزاماً به صف‌آرایی آمریکا - شوروی و متحدانش منتهی می‌شد، در فضای کنونی جهان می‌توان امیدوار بود که در چنین لحظاتی بحرانی آنها به واقفیت جهان موجود گردند، نهند، به هم نزدیک باشند و تصمیم مشترک در راستای منافع عموم بشریت و به سود سرنوشت انسانهای روی کره زمین اتخاذ کنند.

برای یک لحظه چشم‌هایتان را برهم بگذارید، تصور کنید که زمان به عقب بازگشته و حادثه اشغال کویت توسط عراق، ده سال پیش اتفاق افتاده است. بر اساس چنین فرضی، موضع‌گیری تدرت‌های بزرگ جهان در برابر حادثه چگونه بود؟

مسکو در قبال حرکت عراق نوهی موضع "بی‌طرف" دوستانه می‌گرفت و اعلام می‌کرد که حضور نیروهای نظامی آمریکا در خاک عربستان سعودی و ناوگان آن در خلیج فارس، فشار به دولت عراق از جانب این کشور و متحدانش غیر قابل قبول، نقض حقوق بین‌الملل و دخالت "امپریالیستی" در امور کشورهای عرب است. آن سوی کار، واشنگتن نیز با سرو صدا، حمایت شوروی از تجاوزگر و چشم‌پوشی در برابر "وحشی‌گری رژیم تروریستی بغداد" را محکوم و شوروی را به تلاش برای خنثی کردن تلاشهای سازمان ملل برای قطع تجاوز متهم می‌کرد. قواعد بازی "همزیستی مسالمت‌آمیز" در سالهای گذشته، چنین موضعی را ایجاب می‌کرد.

در پرتو احکام "تفکر نوین سیاسی" و نگرش نوین به جهان، احکام دیگری جاری شده است. اولاً در برخورد با مسئله کاهش انواع سلاح‌ها، جنگ داخلی در افغانستان و کامبوج و وحدت دو آلمان، روالی مفایر با گذشته پیش رفته. اکنون اما تفکر نوین سیاسی در برابر یک آزمون دشوار - یعنی مسئله کویت قرار گرفته است.

اتحاد شوروی و ایالات متحده در جریان بحران اخیر، بلافاصله با مواضعی مشابه، تجاوز عراق را محکوم کردند، خواهان تخلیه خاک کویت توسط ارتش صدام حسین شدند و از تصمیم مشترکی در شورای امنیت سازمان ملل حمایت کردند. در همین حال اتحاد شوروی، علیه اعزام نیروهای نظامی آمریکا به عربستان سعودی و ناوگان این کشور به خلیج فارس اعتراض نکرد. اتخاذ این تصمیم برای مسکو آسان نبود و شاید بتوان گفت که یک چرخش تمام و کمال در برخی از جنبه‌های سیاست خارجی آنها به ثبت رسیده است. شوروی‌ها تاکنون در صحنه جهانی، بی‌هیچ تردیدی به کمک رژیم‌های "رادیکال و ضدامپریالیست" می‌شافتند. بویژه اگر رهبران این کشورها طرفداری خود از "سوسیالیسم" را در حرف اعلام می‌کردند. فرمولبندی بسیار ساده‌ای اساس این تصمیم بود: کشورهای دارای "سمتگیری سوسیالیستی" متحدان ما هستند.

در همین راستا رابطه شوروی و عراق بویژه بسیار تنگاتنگ بود و قرارداد دوستی دو کشور که در سال ۱۹۷۲ امضاء شده بود - سند رسمی این روابط به حساب می‌آمد. ارتش عراق تا به حال چه به لحاظ تجهیزات و سلاح و چه به لحاظ سازمان‌دهی و آموزش، از کمک‌های جدی شوروی برخوردار بوده است. در سایر زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز همکاری‌های مفصلی بین دو کشور جریان داشته است. در خط مشی سیاست بین‌المللی شوروی در گذشته - که مبتنی بر تقسیم جهان به قطب‌های متضاد و متخاصم بود - داشتن روابط حسنه با عراق (به‌مثابه عاملی موثر در منطقه خاورمیانه) امری بسیار مهم تلقی می‌شد. یادآور می‌شوم که حفظ این روابط حسنه، همیشه ساده و هموار نبوده است. برای مثال، شوروی‌ها در پیروزی عراق بر جمهوری اسلامی ایران ذینفع نبودند، زیرا گمان می‌کردند که تعادل در منطقه را برهم می‌زند. لکن آنها خواهان شکست عراق در این جنگ هم نبودند. لذا هنگامی که نشانه‌های شکست رژیم بغداد در جنگ بین دو کشور پدیدار شد، شوروی بیدرتنگ به کمک عراق شتافت و با صدور انواع سلاح تلاش کرد که ماشین جنگی رژیم بغداد روی پایابستد.

البته ظاهراً شوروی‌ها گمان می‌کردند که پس از جنگ ۸ ساله، رهبران عراق بر سر عقل بیایند. زیرا که به هیچیک از اهداف عظمت‌طلبانه‌شان به‌طور جدی دست نیافتند و زیر بار قرضی سنگین قرار داشتند. اما در مقابل چشمان حیرت‌زده آنها (وابسته همه)، عقل سلیم در برابر خودخواهی و پرمدهائی سران رژیم بغداد رنگ باخت. صدام حسین پیش خود فکر کرد: "کویت که از ما ضعیف‌تر است. بنابراین، پیش به سوی کویت..."

صریح‌تر بگوئیم، تجاوز بی‌شرمانه عراق، هیچ راه انتخابی برای مسکو باقی نگذاشت. شوروی نه می‌توانست حمایت کند و نه می‌توانست به‌سادگی چشم‌پوشی کند و بگوید که امر مهمی اتفاق نیفتاده است. که اگر چنین می‌کرد، از سوی جهانیان به دورویی، حق‌بازی و تباین بین حرف و عمل متهم می‌شد و تمامی دستاوردهایش برای خلع سلاح و صلح

برای طرفداران ناسیونالیسم عربی و مبارزه "ضد امپریالیستی - ضد امریکائی" هم قهرمانی بلامنازع می‌گردد.

از تجربه تاریخ همگان باید درس بگیرند و شوروی‌ها نیز! آیا آنها تا همین اواخر دست دوستی و همکاری در دست کسانی از نوع صدام حسین نداشته (یا ندارند)؟

سیاست و سیاست‌مداران را همواره می‌توان به دلیل نادیده گرفتن اخلاق، ملامت کرد. و در جهان امروز اعلام این حکم که اخلاق و سیاست، جمع‌زدین و از آشتی ناپذیرهای دنیا هستند، روز به روز بی‌معناتر می‌شود. و در میان اهل سیاست، از آنهایی که بیش از دیگران دم از اخلاق و عملکردهای سیاسی‌شان می‌زنند باید بیشتر انتظار داشت و بپیرهمانه‌تر به شلاق انتقادشان کشید. رهبری اتحاد شوروی در سال‌های بعد از پرسترویکا، بیش از همه

تعهد خویش را به تلفیق اخلاق و منش انسانی با سیاست اعلام کرده‌اند. اما کلمات زیبا، همیشه نمیتواند با عمل و پراتیک سیاسی هم‌آوردی کند. لذا بگذار که در جریان "آزمون کویت"، اتحاد شوروی بار دیگر آن کشورها و شخصیت‌هایی که با آنان روابط حسنه و دوستانه داشته یا دارد و از امتیازات گوناگون برخوردارشان می‌سازد را مورد بازبینی مجدد قرار دهد. فرض صریحاً کشورهای مثل کوبا، یمن و لیبی و شخصیت‌هایی نظیر فیدل کاسترو، معمر القذافی، روح‌الله خمینی و احمد بن بلاست. مسئله نه بر سر دخالت و اعمال زور برای تبدیل نظام سیاسی کشورها باب میل خویش، بلکه امتیاز دمی‌های نابجاست. آنچنانکه در مورد صدام حسین می‌شد. بگذار خواب و خیال و انتظارات نابجا کمتر باشد و سیاست مبتنی بر اخلاق بیشتر.

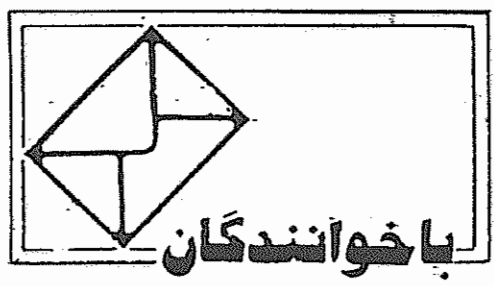
الف حکیمی ۲۷ آگوست ۹۰

برنامه‌نویس و حل مسئله ملی در ایران

استثمار و ستمگری است که دوستی و همپوندی را غیرممکن می‌کند و همیشه دول حاکم بر ایران بمثابه خطوط اساسی سیاست خویش به این جنایات روی آورده‌اند. آزادگان ایرانی که با مباحثات از مبارزات خلقهای مختلف قاره‌ها و کشورهای دیگر در راه آزادی یاد می‌کنند و رهائی ویتنام بعد از صدها سال و لهستان بعد از ۴۰۰ سال و بلغارستان بعد از ۵۰۰ سال و فلسطین و ملل مختلف آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین را جشن می‌گیرند باید در تطبیق این دید خود با ایران نیز احساسات شوینیستی تزیق شده توسط ارتجاع را از خود بزدایند و علماً مسئله را مورد تحقیق قرار دهند. راه درست رسیدن به هدف، درک علمی مسئله ملی است و آن نیاز به در نظر گرفتن مسائل زیرین دارد:

- ۱- اعتراف به وجود ملل مختلف در ایران و احترام به حقوق انسانی و طبیعی این ملل.
- ۲- محکوم کردن ستم ملی و شناخت دقیق اثرات منفی آن.
- ۳- آگاهی از تاریخ ملل تحت سلطه ایران و شناخت دقیق تاریخ دوره اسارت آنان.
- ۴- تحلیل دقیق روند مبارزه راهائی بخش این ملل و شناخت تاریخی آن.
- ۵- شناخت دقیق روانشناسی اجتماعی و فرهنگ این ملل.
- ۶- برآورد نمودن زیانهای مادی و معنوی که طی مدت اشغال میهن این ملل از سوی حکومتی ایران بر آنان وارد آمده است.
- ۷- درک علمی و سیاسی و اخلاقی این مسئله که در ایران ملت فارس غالب است و ملل دیگر زیر دستند.
- ۸- درک این حقیقت که اکثر ملل غیر فارس ایران بخشی از ملت تقسیم شده خویشند که دلیل اشغال و تقسیم میهنشان از چند سو وحدت ملی آنان از بین رفته و احترام به حق و وحدت دوباره آنان.

برنامه آقای ممینی نتوانسته است که این حداقل اصول را در مورد این بخش در نظر داشته باشد. از همین رو وی نتوانسته است که برنامه‌ای بر اساس واقفیت موجود ارائه دهد. و سرانجام در کشمکش درونی خویش به نفع احساسات شوینیستی خویش از درک درست حقایق عقب نشینی کرده است.



باخوانندگان

۳- مضمون آتازین و پایانی مقاله شما به تشریح اوضاع موسیقی در شرایط کنونی ایران اختصاص یافته که با کمی تاخیر و صرف وقت بیشتر و پرداخت دقیق‌تر مقاله توسط شما، به مقاله‌ای مستقل درباره اوضاع و احوال موسیقی در شرایط کنونی در دوران حکومت جمهوری اسلامی تبدیل خواهد شد و آنگاه قابل درج خواهد بود.

امید است با در نظر گرفتن مواردی که اشاره شد بتوانیم یک گردآوری مفید در زمینه شناخت و آموزش دستگاه‌های موسیقی سنتی ایران و یک مقاله تحلیلی درباره اوضاع موسیقی در جمهوری اسلامی، از شما دریافت داریم. باتشکر و آرزوی موفقیت بیشتر

بقیه از صفحه ۶

اشرح باز بفرج‌نویسی شیوه ویژه جهت در رفتن از زیر بار حقایق است. مثلاً او درباره تقسیم جغرافیایی مجدد ایران چنین می‌نویسد:

۳- "انطباق عادلانه بخشندیهایی جغرافیایی کشور با منطقه زیست‌حلقه‌های همجا، معلوم و مضمون منطقه زیست‌حلقه‌های همجا، روشن نیست و معلومی ندارد. فقط نویسنده با توسل به این کلمات خود را از شر ذکر میهن ملل مختلف رها نده است."

آنچه که خواست ملل غیر فارس ایران است تقسیم مجدد جغرافیای اداری و سیاسی کشور بر اساس بقای یکپارچگی میهنشان و بگفته دیگر بر اساس واحدهای مختلف ملی است و نه خلقهای همجا.

بند هفتم که به این بخش برنامه خاتمه داده است مسئله پرتفسیری را بمیان کشیده است. امیر می‌نویسد:

"۷- گزینش یک سیاست مشترک ملی در مقابله با بهره‌جویی ابرقدرتها و دولت‌های خارجی از مسایل ملی در ایران"

اگر آزادیخواهان و پیشروان ایران میل ندارند هیچ‌کسی از مسئله ملی در ایران بهره برداری کند، باید هملاً و منطقیاً مسئله ملی را حل نمایند و آنرا بنده و حل نشده باقی نگذارند. تنها راه‌جولگیری از سو استفاده بیگانگان همین است. در صورت ارائه طرح درست و راه حل درست ضرورتی برای وجود این بند باقی نمی‌ماند.

باید بدنبال درک درست مسئله رفت و راه‌هلاج قطعی آنرا یافت و برای همیشه به اثرات منفی ستم ملی پایان داد. ستم ملی تنها یک راه حل دارد و آن احترام به حقوق ملت‌ها و برسمیت شناختن حق حاکمیت آنان است. حقوق ملی غیر از بدست گرفتن زمام میهن خویش و تشکیل دولت مستقل ملی هر ملتی در چارچوب مرزهای طبیعی خود معنا و مفهوم دیگری ندارد. آزادگان فارس باید این را درک کنند که تنها در شرایطی که حقوق ملی هر ملتی در ایران بدیده احترام نگریسته شود آنان بتوانند میهن خود را خود اداره کرده و آنرا به میل خود رشد و ترقی دهند، می‌توان راه برادری و دوستی و در آینده صنعتی، انترناسیون را هموار کرد. مرزهای طبیعی میان ملل هیچ خللی بر امر دوستی و برادری وارد نمی‌کنند. در حقیقت این تجاوز و اشغال و

در مقابل این استدلال و منطق، انتقادات شدیدی در سراسر جهان به گوش می‌رسد. می‌پرسند که آیا چرخش بوش نمی‌خواهد ایالات متحده را به نوهی "ژاندارم جهانی" تبدیل کند؟ پنجان نباید کرد که ظن و گمان به حرکت آمریکا برای ایفای نقش ژاندارمی، قوی و جدی است. مردم دنیا هنوز حوادث "گرانادا" و "پاناما" را خیلی زنده در خاطره‌هاشان دارند. کدام شرایط در این دو کشور کوچک، بجهانه برانی "قاطعیت" و "سرعت عمل" به ارتش آمریکا می‌داد؟ مردم جهان پیش خود سوال می‌کنند: آیا این بار ظالم، اشک مظلومیت نمی‌ریزد؟

بقیه از صفحه ۷

شک نباید کرد که صدام حسین به خوبی درس‌های تاریخ سالهای اخیر جهان را یاد گرفته و در عمل به کار برده است. مگر صدام حسین نبود که به کشور ما حمله کرد، بخش‌های مهمی از آن را اشغال کرد، کشت و قارت کرد و صدا از کسی در جهان برخاست. مگر صدام حسین ندید که ارتش ایالات متحده در همسایگی خود ابتدا گرانادای کوچک و سپس پاناما را اشغال کرد، دولت‌های "دمکراتیک" را مستقر نمود و آب از آب تکان نخورد. حالا چرا او بنشیند و آزمایش نکند، کویت کوچک همسایه را به سرعت تسخیر می‌کند و دولتی جدید در آن برپا می‌سازد، مسئله قروض میلیاردی را حل می‌کند، ثروتی باآورده را به جیب می‌زند، قدر قدرت و باج بگیر منطقه می‌شود و

تاخیر ابراز نظرمان درباره آن، توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱- به جز مقدمه‌های کوتاه، مقاله با هدف شناساندن دستگاه‌های موسیقی ایرانی نوشته شده است. این نوشته همانگونه که در پایان مقاله اشاره شده، باینکه از مجموعه نوشته‌های هنری مندرج در نشریات ایران برداشت شده است اما از فقدان روحیه آموزنده یک

خبرها و نظرها

بیانیه نهضت آزادی در افشای نمایش تلویزیونی رژیم

بقیه از صفحه اول

کشورهای اسلامی به پاریس نرفتند و از آنجا صدای مظلومیت ایران را از طریق همین رسانه‌های جمعی خارجی به دنیا نرسانند؟

چگونه میتوان فراموش کرد که اولین و سرنویس سازترین پیام و معرفی آیت اله خمینی در جهان که مقدمه بسیار موثر برای پیروزی بود در مصاحبه با مخبر لوموند چاپ آن در روزنامه‌های انگلستان و آمریکا صورت گرفت؟

راه آزادی و مباحث پیرامون شعار سرنگونی

ضدین "سرنگونی یا استحاله" هر نیروی اپوزیسیون را که با این نوع سیاست "هر چه بدتر بهتر..." موافق نباشد استحاله‌چی می‌خوانند.

"مبارزه برای دموکراسی، برای دستیابی به تفکر و آلترناتیو دموکراتیک در جامعه هم‌اکنون در جریان است. یافتن و تقویت عناصر و جوانان برای آن کار همین امروز است. برقراری و گسترش روابط دموکراتیک در درون صفوف خود، از اولین گامهای مبارزه در راه دموکراسی به حساب می‌آید. اپوزیسیون دموکراتیک بایستی همچنین تمام هم و فم خود را در راه تحول مسالمت‌آمیز جامعه به کار گیرد و به مقاومت مسلحانه هم‌اکنون آخرین شکل پیکار و از روی ناچاری دست یازد و آنرا نیز به عنوان ابزاری در راه درگونی دموکراتیک و مسالمت‌آمیز جامعه مورد بهره‌برداری قرار دهد."

"همانگونه که اپوزیسیون دموکرات نمی‌بایست آتش‌بس و صلح را برای پس از سرنگونی رژیم مطالبه کند، همانطور نیز باید برای تحولات مثبت و هر آنچه که به بهبود و لو جزئی زندگی مردم منجر شود از هم‌اکنون مبارزه کند. این بینش که گویا رژیمی به دلیل ایدئولوژیک بودن همواره رفتار و برخورد یکسان خواهد داشت صادقانه نیست همه رژیم‌های توتالیتر جهانی تحت شرایط مشخص و به ویژه تعبیر تناسب قوا در سیاست خود تغییراتی وارد نموده‌اند و این خود به ناچار با تغییراتی در رژیم همراه بوده است و بنوبه خود سیر تحولات را تسریع و تسهیل نموده است."

در همین حکومت اسلامی اگر در شرایط مشخص و تناسب قوا ای روز دولت بزرگان و یا رئیس جمهوری بنی‌صدر ممکن بوده است پس منتفی دانستن امکان عقب نشینی رژیم در مقابل بخشی از نیروهای حکومتی و یا اپوزیسیون لیبرال و میانه رو تحت فشار مبارزه مردم و اپوزیسیون و در جهت پاسخ دادن به الزامات بازسازی و صنعتی کردن کشور امری نادرست است.

اگر چه سیاست سرکوب و ترور زائیده ساختار و تفکر ضددموکراتیک و ضد بشری حاکمیت اسلامی است ولی بدون دستاویزهای جدی در توجیه چنین سیاستی، رژیم در هر شرایطی قادر به اعمال وحشیانه و افسار گسیخته همین سیاست نیز در دراز مدت نیست. نباید از نظر دور داشت که حکومت اسلامی با ادعای انقلابی و مردمی بودن، هنوز بخش قابل ملاحظه‌ای از انسان‌های طرفدار ایدئولوژی اسلامی را در حیطه نفوذ دارد. انسان‌هایی که به حقیقت ای حکومت هنوز باور دارند چرا که رژیم به هر گونه موفق گشته است سیاست‌های خود را برای آنها توجیه کند، برای مثال هر چقدر که رژیم فکر قتل عام زندانیان سیاسی را از مدت‌ها پیش در سر می‌پرورانده اما برای اجرای این جنایت عظیم نیاز به دستاویزی بزرگ داشت. این دستاویز حمله مجاهدین پس از پذیرش آتش‌بس بود. رژیم همه جا سعی کرد در افکار عمومی اهدافی را اسرای این حمله قلمداد کند. بنابراین نباید فکر کرد که رژیم فقط و فقط به زور سر نیزه بر مردم سوار است و سیاست اپوزیسیون هیچ تأثیری در حاکمیت و سیاست گذاری آن ندارد. همانگونه که رژیم با سیاست خود سعی در تحمیل شیوه و میدان مبارزه مورد نظرش را دارد، یک اپوزیسیون جدی نیز می‌تواند با سیاست گذاری مستقل خود در تعیین هرصه، نوع و شیوه مبارزه موثر افتد.

پلنوم اخیر شورای مرکزی حزب ما در چنین راستا و با چنین برداشتی همه نیروهای اپوزیسیون را به پشتیبانی و برپائی کارزار تبلیغاتی در دفاع از حرکت جسورانه ۹۰ نفر از شخصیت‌های ملی در ایران برای احاده حق حاکمیت مردم دعوت کرد.

در نشریه راه آزادی شماره (۳) مقاله‌ای به امضا

چنین گستاخی و فضولی! هم برایشان مقدور نبود. بنابراین، راه دوم را برگزیدند و تصمیم گرفتند که به هیچ وجه وارد اصل و محتوای نامه که مستدل و منطقی است نشده، حمله را از پهلو و بطور غیر مستقیم اجرا کنند.

۲- حمله سراسری با مراجعه بی سروصدا به منازل کسانی که بنظر حاکمیت موثر و مقصر همه می‌آمدند و تحت بهانه‌های متفرق نامربوط انجام یافت، البته نه علیه همه اما کنندگان نامه بلکه علیه اعضای جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران که آنرا مرکز این جریان و مبداء بدعت گزار تجمع و تشکل ملیون تصور میکردند و علیه برخی از شخصیت‌هایی که عضو جمعیت یانحضت نبودند.

۳- مقارن با این عملیات و اندکی پیش از آن، زرمه‌هایی در مطبوعات و گفتارها در زمینه همسویی قدیم با دشمنان و همکاری و دستور گیری جدید نهضت آزادی از "سیا" بلند شد.

۴- دستگیری افراد برای باز پرس و بازجویی و سرپوش گذاری لازم برای فعل و انفعالات اطلاعاتی تا حدود ۲۵ نفر از امضا کنندگان نامه و فعالان تهران و شهرستانها ادامه یافت. بدون آنکه بتوانند مجوز معقولی که محکمه پسند، حافظ آبرو و پاسخگوی تعهداتشان در برابر انکار عمومی باشد به دست آورند.

۵- پس از آنکه دیدند نمی‌توانند "جرم بزرگ" یعنی صدور نامه

راهنوا کنند و نه مدرک و دلیل قابل عرضه در دادگاه‌های قانونی و افکار عمومی در ایران و جهان از سوابق و عملکرد دستگیر شدگان و جمعیت و نهضت از پرونده‌ها و بازجویی‌ها گرد آورند یک راه حل برایشان باقی ماند: اقرار گرفتن از زندانیان علیه خودشان، و این که کلیه ادعاها و اتهام‌ها و استدلال‌هایی را که در مدت ۸-۷ سال گذشته علیه ملیون و آزادیخواهان مسلمان ایران و مخصوصاً نهضت آزادی گفته و نوشته‌اند و مطالبی که باید علیه دستگیر شدگان و جمعیت ارائه شود روی کاغذ آورده دیکته کنند و با وسائلی که برایشان مشکل نیست در قلم و زبان فردی که سمت و سابقه رسمی در جمعیت دارد بیاورند. ولی خودشان هم می‌دانند که حقایقشان رنگی ندارد. هم اکثریت مردمی که آن برنامه را دیدند، چه مخالف و چه موافق بجز عده قلیل ساده لوحان، فهمیده‌اند و می‌فهمند که اعتراضات قلابی و تحمیلی است و هم بر این اقرارگیری‌ها کمترین ارزش شرعی و حقوقی و قضائی مترتب نمی‌باشد.

قبلا هم در تلگرام مورخ چهارم مرداد ۹۶ دبیر کل نهضت آزادی به رئیس قوه قضائیه در این مورد پیش‌بینی و اخطار شده بود که: هرگونه اقرار، اعلام یا مصاحبه که به نام یا از زبان آقایان در شرایط حاضر زندان با توجه به روال قانونی و شرعی و کمترین ارزش و اثر سیاسی و تبلیغاتی خواهد بود.

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳- برای کسانی که با وی دیدار کرده و افشاگری مینمایند تضمین کافی وجود داشته باشد و مثل مسافرت گذشته تحت فشار قرار نگیرند و اگر زندانی هستند مثل رفیق نورالدین کیانوری در منگنه فشار بیشتری قرار نگیرند.

۴- محل استقرار هیات محل ثابتی باشد و مانعی از طرف رژیم برای تماس‌گیری وجود نداشته باشد.

۵- سازماندهی دیدارها توسط رژیم برنامه ریزی و انجام نگیرد.

۶- اصل بر اظهارات مسئولین رژیم قرار نگیرد. ۷- هیات با آمادگی کافی رهسپار ایران گردد و در این راه از همکاری احزاب و سازمانها بهره گیرد.

۸- کلیه اسنادی که در دیدارها دریافت میشود و دارای اعتبار حقوقی است انتشار یابد و همانند نامه نورالدین کیانوری به خامنه‌ای که در جریان سفر قبلی دریافت گردید، ولی منتشر نشد، عمل نگردد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در رابطه با سفر مجدد آقای گالیندویل نامه‌ای سرگشاده خطاب بوی انتشار داد. در این نامه آمده است که مردم ایران از وی انتظار دارند وی از فرصت بدست آمده به بهترین وجه برای انجام یک همه جانبه و بی طرفانه بهره‌جویی بعمل آورد و در این راه ضروریست که:

۱- وی با قربانیان پیامال شده حقوق بشر چه در درون زندان و چه بیرون آن دیدار کند از بیادگاههای در بسته چند دقیقه‌ای و بی حقوقی زندانی سیاسی ایران کسب اطلاع نماید. درباره گورهای جمعی شهدای فاجعه ملی اطلاعات گردآوری نماید و بخصوص رژیم را موظف نماید که اسامی اهدام شدگان را اعلام نماید...

۲- ترتیبی اتخاذ نماید که مسافرت وی کوتاه نباشد.

م. آشنا با عنوان "هیچ حکومتی اگر سرنگون نشد سرنگون نمی‌شود" در دفاع از شعار سرنگونی رژیم و رد مقاله فوق‌الذکر نوشته شده است. در این مقاله آمده است:

"پاسخ به الزامات بازسازی و صنعتی کردن کشور نه تنها به ضرر رژیم نیست و با موجودیت آن تضاد ندارد بلکه انطباق با منطبق سرمایه‌داری تنه‌اراه نجات رژیم جمهوری اسلامی است. رهبران جمهوری اسلامی برای برون رفت از بحران ژرف و دامنه‌دار اقتصادی اجتماعی حتماً عقب نشینی‌هایی در درجه اول در مقابل بورژوازی لیبرال مذهبی خواهند کرد و نخست همکاری‌هایی در حوزه اقتصاد و بازسازی و صنعتی کردن خواهند داشت. ولی از لحاظ سیاسی فعلاً به مصلحت نظام نیست تا اپوزیسیون لیبرال مذهبی را در قدرت دولتی شریک گردانند و اگر مصلحت نظام ایجاب کند و سران رژیم اپوزیسیون لیبرال و میانه‌رو را در قدرت دولتی نیز بازی دهند مطلقاً به معنای فراهم آمدن شرایط برای آزادی و دموکراسی نیست. همه این نوع اپوزیسیون‌ها در حفظ نظام جمهوری اسلامی ذینفع اند پس در این صورت پرسیدنی است که آیا این تغییرات در سیاست رژیم ساگر اتفاق بیفتد - می‌تواند اپوزیسیون چپ و مترقی و دموکرات را از سرنگونی رژیم منصرف کند؟ "رفیق ف آزاد سعه. می‌کند سرنگونی راشکل ویژه‌ای از مبارزه قلمداد کند... مفهوم سرنگونی به

معنی تغییر و تحول کیفی و بنیادی در یک رژیم و نظام مفروض است، در حالیکه اشکال و شیوه‌های مبارزاتی نحوه دستیابی به سرنگونی است. مقاله در رابطه با تأثیر سیاست اپوزیسیون در حد سرکوبگری رژیم نوشته است "از لحاظ اصولی نمی‌توان بکلی منکر تأثیر سیاست‌های اپوزیسیون‌ها در سیاست گذاری‌های رژیم‌های مختلف حتی رژیم استبدادی شد ولی رژیم جمهوری اسلامی یک حکومت استبدادی معمولی نیست. رژیم جمهوری اسلامی مبتنی و قائم بر اصل ولایت فقیه است. اصلی که خردترین حق حاکمیت مردم بر سر نوشت خویش را رسماً و قانوناً نفی می‌کند. هر کسی ادعا کند که سیاست اپوزیسیون کوچکترین بهانه و یادستاویزی برای سرکوبگری رژیم اسلامی داده و یا در این وحشیگری‌های تمام هیار و لجام گسیخته تأثیر و نقش داشته، در حقیقت با ماهیت ارتجاعی - استبدادی رژیم را نشان داده و از یازده سال حاکمیت بربر منشانه مطلق رژیم جمهوری اسلامی هیچ پند نگرفته و یا هنوز دچار توهم نسبت به رژیم است"

در ادامه مقاله طرح گردیده است که دفاع از حرکت ۹۰ نفر از شخصیت‌های ملی تأیید برداشت‌های رفیق آزاد نیست و شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران با چنین برداشتی چنین تصمیمی اتخاذ نموده است.

جام حذفی باشگاه های ایران

مسابقات فوتبال جام حذفی باشگاه های ایران، به مراحل حساس خود وارد شده است. قبل از سفر تیم ملی به پکن، دو مسابقه دیگر از دور یک هشتم نهائی برگزار شد. راه آهن تهران در تهران با تیم صنعت نفت به تساوی یک بر یک رسید و در مجموع دو بازی رفت و برگشت ۳ بر ۲ از سد تیم آبادانی گذشت. راه آهن در یک چهارم به دیدار پاس تهران، که پیشتر از مسابقات تهرمانی تهران است خواهد رفت.

در دیدار دوم تیم سپاهان اصفهان در خانه خود با تیم جنوب اهواز یک بر یک مساوی کرد. جنوب مجموعه ۲ مسابقه را ۴ بر ۲ به نفع خود تمام کرد و به مرحله یک چهارم راه یافت تا در برابر تیم پر ارزش ملوان بندر انزلی قرار گیرد.

تاکنون ۶ تیم از ۸ تیم مرحله یک چهارم نهائی برگزیده شده اند که عبارتند از: ملوان بندر انزلی، پیستون سازی تبریز، پاس تهران، ژاندارمی اصفهان، راه آهن تهران، و جنوب اهواز ۲ تیم باقی مانده بعد از مسابقه تیم های پیروزی و استقلال تهران علیه حریفان برگزیده می شوند.

فوتبال

مسابقات قهرمانی باشگاه های تهران

در خالیکه ۷ هفته از شروع مسابقات قهرمانی تهران می گذرد، بعضی از تیم ها تنها ۳ مسابقه برگزار کرده اند. نزدیک شدن بازیهای آسیایی پکن این مسابقات را تقریباً تعطیل کرده است. در فوتبال امسال دسته اول تهران ۱۸ تیم شرکت دارند. تا پایان هفته هفتم تیم های پاس تهران با ۶ مسابقه و گسترش با ۷ مسابقه و کسب ۱۰ امتیاز در صدر جدول قرار دارند. پیروزی و استقلال دو تیم مشهور تهرانی تنها نیچی از مسابقات خود را برگزار کرده اند پیروزی ۴ مسابقه برگزار کرده که هر ۴ مسابقه را برده و با ۸ امتیاز در مکان پنجم است. تیم استقلال، قهرمان سال گذشته باشگاه های ایران از ۳ مسابقه ۲ پیروز و یک تساوی بدست آورده و در جایگاه دهم قرار دارد.

امیر عراقی قهرمان سابق تیم ملی فوتبال درگذشت



شنبه ۸ شهریور ماه، امیر عراقی یکی از برجسته ترین فوتبالیست های قدیمی تیم ملی ایران، بعلت ابتلاء به بیماری سرطان درگذشت. امیر عراقی نخستین بار در سال ۱۳۲۸ به تیم ملی فوتبال راه یافت. او تا زمانی که کنش هایش را نیاویخته بود هافبک محبوب تیم شاهین تهران بود. امیر عراقی از چهره های خوشنام و وطن دوست فوتبال ایران بود و همواره نیز خوشنام و پاک باقی ماند. کیهان ورزشی در خاطره های از او چنین می نویسد:

«۳۵ سال پیش، یکرور رئیس باشگاه شاهین او را از باشگاه اخراج کرد. تاج آمد دنبالش، نرفت، واسطه پیدا کرد که برگردد باشگاه شاهین و هذر خواهی کند. گفت: «باشگاه و وطن رانمی شود هوض کرد.»»



هفته پیش در شهر اسپلیت یوگسلاوی، چهار دوندۀ سپاه پست فرانسوی موفق شدند مسافت ۴۰۰ متری، دو ۴×۱۰۰ متر تیمی مردان را در ۳۷، ۷۹ ثانیه پشت سر گذارده، رکورد جهانی جدید این ماده را بنام خود ثبت کنند.

روز ۳۰ شهریور، یازدهمین دوره

بازی های آسیائی آغاز می شود

بین المللی را تنها در رژه رفتن با عکس خینی و تکبیر گفتن می دانست، بیش از پیش بی اعتبار شود. این بار بر خلاف سال های گذشته ورزشکاران ایرانی از

روز جمعه ۳۰ شهریور، یازدهمین دوره بازیهای آسیایی در پکن پایتخت جمهوری خلق چین آغاز می شود. بازیهای آسیایی مهم ترین رویداد ورزشی قاره ماست که هر ۴ سال یکبار و در فاصله دو المپیک برگزار می گردد.

چین برای برگزاری این مسابقات بطور همه جانبه ای تدارک دیده است. در حومه شمالی شهر پکن دهکده ای برای پذیرایی از حدود ۶۰۰۰ ورزشکار و همراه بنا شده است که دارای ۱۰۰۰ واحد آپارتمان و سرویس های مجهز خدماتی و تفریحی است. برای برگزاری مسابقات ۲۷ استادیوم و تالار ورزشی تاسیس و یا بازسازی شده است. این تاسیسات تماماً به دستگاه های الکترونیکی و ارتباطی و پخش فوری و زنده تلویزیونی مجهز هستند.

ایران با یک گروه نسبتاً بزرگ در مسابقات شرکت می کند. ورزشکاران ایرانی در میدان های پکن کار دشواری در پیش دارند. کشورهای صاحب ورزش آسیا نظیر ژاپن، کره جنوبی و چین - که از امتیاز میزبانی مسابقات برخوردار است - از مدتها قبل تدارکات گسترده ای را برای پیروزی در رشته های مختلف و جمع آوری مدال ها آغاز کرده اند.

ایران به دلیل سیاست های فلتحاکم بر ورزش چه در زمان شاه و چه در زمان شیخ به استثنای سال ۷۴ که میزبانی مسابقات را به عهده داشت، هیچ گاه در مسابقات آسیایی جزو کشورهای قدرتمند نبوده است. در حکومت جمهوری اسلامی سطح ورزشی کشور ما نزول فاحشی کرد و از جمله در رشته های فوق نیز ما به سطح تیم های درجه ۲ آسیا سقوط کردیم تا جایی که بنا به اعتراف سرپرست سازمان تربیت بدنی قادر نیستیم حتی یک تیم متوسط وزنه برداری به بازیهای آسیایی اهزام کنیم!

خوشبختانه شکست های مکرر رژیم در جهت مکتبی کردن ورزش موجب شده است که اندکی از فشارهای ارتجاعی قبلی کاسته شود و سیاستی که وظیفه اول ورزشکاران ایرانی در میادین

کردند و به انشای رژیم پرداختند. گروه بزرگی از اعضای تیم ملی فوتبال نیز پس از بازگشت به کشور، در اعتراض به رفتار مسئولین، دسته جمعی استعفا دادند.

* ورزش بانوان هم چنان مورد غضب آخوندها است. در پکن زنان در ۲۴ رشته ورزشی مسابقه خواهند داد. از ایران تنها یک تیم در رشته تیراندازی شرکت خواهد کرد!

* در جریان مسابقات انتخابی کشتی و وزنه برداری جنجال بزرگی در مورد استفاده غیر مجاز از داروهای تیروزا برپا شد. ۱۲ کشتی گیر و ۵۰ وزنه بردار به دلیل انجام عمل ناپسند دوپینگ از شرکت در مسابقات محروم شدند. بحث پیرامون دلایل روی آوری ورزشکاران به عمل دوپینگ و مقصرین رواج این پدیده در مطبوعات کشور جریان دارد.

* نگاه های بسیاری به تیم ملی فوتبال دوخته شده است. بس دشواری در پیش دارند اما با توجه به اردوی نسبتاً طولانی و آمادگی لازم توقع همومی این است که تیم ملی بتواند به شکست های قلم بار سال های گذشته پایان دهد و از میدان پکن سر بلند بیرون آید. بزرگترین افتخار تیم ملی فوتبال ایران در بازیهای آسیایی مربوط به فوتبال است. در سال ۷۴ است. فوتبالیست های ایران در هفتمین دوره بازیها در تهران، با شکست ۴ تن از ورزشکاران ایران از بازگشت به میهن خودداری



تدارکات نسبتاً بهتری برخوردار بوده اند و با هدف پیروزی و کسب مدال به پکن می روند. اگر ناسامانی ها و دشواری ها ناشی از وجود مسئولین بی لیاقت و اختلافت و دسته بندیهای میان آنان، ورزشکاران ایران را آسوده گذارد، می توان به پیروزی هایی امیدوار بود.

علاقتمندان ورزش امیدهای زیادی به تیم های کشورمان

بحران خلیج فارس و بازی های آسیائی

دامنه بحران در خلیج فارس دامن بازیهای آسیایی پکن را هم آلوده است. کشته شدن شیخ فهد الاحمد رئیس شورای المپیک آسیا و برادر امیر کویت در جریان اشغال کویت توسط عراق، بازیهای آسیایی را بدون سرپرست ساخت. اشغال مقر این شورا، که در کویت قرار داشت، توسط نیروهای عراق، موجب توقف فعالیت شورای المپیک آسیا گردیده است. این حوادث بازیهای آسیایی را با یک مشکل اساسی مواجه ساخته است. اکنون برگزار کنندگان مسابقات نمی دانند باید با چه کسی تماس بگیرند. قرار است روز ۲۸ شهریور، در آستانه گشایش بازیها، شورای المپیک آسیا در پکن تشکیل جلسه دهد و یک کنفل برای ریاست شورا انتخاب کند.

از سوی دیگر بسیاری از کشورهای آسیایی خواهان منع حضور ورزشکاران عراقی در یازدهمین دوره بازیها شده اند. به گزارش خبرگزاریها بسیاری

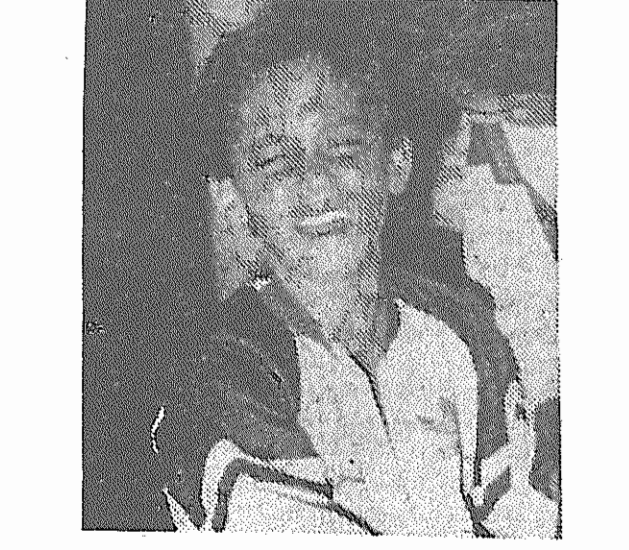
از کشورهای غربی آسیا مخالفت خود را با حضور ورزشکاران عراقی اعلام داشته اند. ایران در زمره کشورهای آسیایی است که از این پیشنهاد پشتیبانی نکرده است. عراق اعلام کرده که هیچ تغییری در برنامه شرکت ورزشکاران این کشور داده نخواهد شد. مشکل دیگر مربوط به کویت است که احتمال می رود ۲ هیئت به بازیها بفرستد. یک هیئت از طرف دولت سرنگون شده این کشور و یک هیئت از طرف دولت دست نشانده عراق. «دوژونک یوان» سخنگوی کمیته برگزار کننده بازیها در این زمینه گفت: اگر چنین وضعی پیش بیاید ما تابع نظر شورای المپیک آسیا خواهیم بود. با توجه به اینکه هیچ کشوری از دولت دست نشانده کویتی حمایت نکرده است. بنظر می رسد که شورای المپیک آسیا ورزشکارانی را که به نام این دولت به بازیها اهزام شوند، مورد تایید قرار ندهد.

مسابقات شطرنج برای گزینش تیم ملی

پس از ده سال وقفه، که بدنبال فتوای خمینی مبنی بر حرام بودن شطرنج بوجود آمد، مسابقات شطرنج دوباره از سر گرفته شد. چندی پیش مسابقات قهرمانی تهران با بیش از ۲۰۰۰ نفر آغاز شد و پس از برگزاری ۷۲۷۸ مسابقه، با پیروزی بابک تندور به سرانجام رسید. از روز ۸ شهریور ماه نیز مسابقات شطرنج قهرمانی ایران در مجموعه ورزشی آزادی شروع شد. در این مسابقات ۲۰ تن از منتخبین تهران و نزدیک به ۱۰۰ نفر از شهرستان های کشور حضور دارند. در این دوره از مسابقات ۱۵ شطرنج باز برتر برگزیده خواهند شد که همراه با استاد بین المللی شطرنج محمدس

تصییح حق

در ۵۰ متر زیر ۱۰ در تهران شرکت کننده نداشت و لذا علیرغم اعتراض تمامی مربیان مینی بر برگزاری مسابقه در این ماده چون تهران شرکت کننده نداشت امتیاز این مسابقه بیه حساب نیسازد. در این ماده عبدالرحمان حاج هاشمی از اصفهان قهرمان شد که امتیاز وی به حساب نیسازد و وی در اعتراض به این رای به گریه افتاد.



آقای ج - مفرد نویسنده کتاب تحقیقی "گزارش زادگاه زرتشت و تاریخ اساطیری ایران" مقاله ای بر این بار سال داشته اند که در زیر به چاپ آن می پردازیم:

ریشه های تاریخی اسطوره اژی دهاک

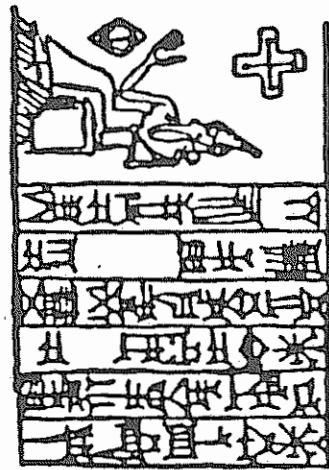
ج مفرد

اژی دهاک هنوانی اوستائی است مرکب از "اژی" (مار، اژدها) و "دهاک" (دهک) که در سانسکریت و ترجمه پهلوی اوستا به معنی مثل و مانند آمده، در مجموع به معنی اژدهاوش، ظاهر ا فردوسی نیز از این مفهوم مطلع بوده است:

کی اژدهانش بیامد چو باد به ایران زمین تاج پر سر نهاد حال باید دید که از این هنوان اساطیری چه کسی یا چه کسانی اراده شده اند؟ در پی گیری جواب این سؤال به عهد زیادی اژی دهاک و سه نمونه مشخص آنها بر می خوریم:

۱ - اژی دهاک به هنوان خدا - پادشاه روی زمین مطابق کتیبه های باستانی مکشوفه در بین النهرین، پیش قوم تمدن عهد باستان یعنی سومر، رب النوع تموز (تایستان) به شکل ماری (اژدهائی) تصور می شده که در زمین پادشاهی میکند. در رابطه با این قوم گفتنی است که محققین بنابه شواهدی معتقدند که مسکن اولیه خود سومریها، نواحی شمالی یا شرقی فلات ایران بوده است؛ از جمله این شواهد و اسناد خبر باب یازدهم سفر پیدایش تورات می باشد که میگوید: "و واقع شد که چون از مشرق کوچ می کردند هموارئی در زمین شتار (سومر) یافتند و در آنجا سکنی گرفتند." بهر حال مطابق شواهد چند لافل اعتقاد به خدای مار شکل (اژی دهاک) در پیش ساکنین غربی فلات ایران شایع بوده است چنانکه پیش کاسیان که اسلاف باخترانیا ولر با شمار می روند.

۲ - اژی دهاک هنوانی بر پادشاهان کاسی - بابلی پیش ایرانیان شمال غربی مطابق مندرجات اوستا و کتب پهلوی متر فرمانروائی اژدهاک شهرهای کرد و بابل بوده؛ از آنجائیکه قدمت باستانی این شهرها مطابق کتیبه ها حتی از هزاره دوم پیش از میلاد فراتر می رود، لذا از این مطلب راهنمایی می شویم بر اینکه در اینجا یکی از همان فرمانروایان کاسی بابل (لابد یکی از معروفترین آنها) مورد نظر می باشد. بر این اساس می توان روی کشورگشای بزرگ کاسیان یعنی آگوم دوم ملقب به کاک (صاحب شمشیر مغز خوار) انگشت گذاشت؛ زیرا که علاوه بر معنی لغزائی قابل توجه لقب او و تشابه نسبی نام وی (آگ - اوم) با اژی اوستائی به معنی مار و اژدها، او در هر دو شهر مذکور فرمان رانده، ابتدا در سرزمین خویش که شهر کرد مرکز آن بوده و بعد در شهر بابل که آترا حدود سال ۱۵۹۵ قبل از میلاد متصرف شده و پایتخت خویش قرار داده بود. وی در کتیبه ای که از خود به یادگار گذاشته خود را پادشاه نواحی شمال غربی ایران (ماد) دوران بعد، عهد و سرزمین اوستا) هم قلمداد نموده است. در تایید صحت این مطلب می توان هنوان تازی ضحاک (اژی دهاک) را نیز گواه گرفت، چه از آنجائیکه خورنی لفظ تاجیک را به جای تازی می آورد لذا بی شک واژه تازی که بعدها مترادف عرب و یایک قوم عربی گرفته شده در اصل با کلمه تاجیک یعنی قوم غیر آریائی که زبان و فرهنگ آریائی پذیرفته، از یک ریشه بوده است و این در



نمونه تیش مهر استوانه

دوران کاسیان مکشوفه در بابل ربع سوم هزاره دوم ق.م - اژی دهاک هنوانی بر آستیاگ آخرین پادشاه ماد باز مطالب فوق الذکر، بعلاوه شواهد دیگری که در این موارد موجود است می توان نتیجه گرفت که هنوان اژی دهاک پیش اوستا زبانا (مادها) بر همه فرمانروایان بابلی اطلاق می شده، از جمله بر آخرین آنها یعنی نابونید که توسط لشکریان کوروش دستگیر گردید. اما هنوان اژی دهاک به سبب تشابه اسمی و شرایط زمانی بر آستیاگ آخرین پادشاه ماد نیز اطلاق گشته که اتفاقاً بیشترین قسمت اسطوره اژی دهاک از جمله اسطوره شاهنامه ای کاوه و ضحاک مربوط به وی می باشد؛ موسی خورنی مورخ ارمنی قرن پنجم میلادی نخستین مورخی است که نام اژدهاک (اژی دهاک) را به جای آستیاگ و نام فریدون را به جای کوروش می آورد گرچه وی در روایت جداگانه ارمنی و پارسی نام کوروش را جدا از نام فریدون ذکر میکند ولی در مقام مقایسه این دو روایت معلوم می گردد که منظور وی از فریدون جز همان کوروش هخامنشی نمی باشد. نکته جالب توجه دیگر گفتار خورنی در این باب همانا عدالتخواهی و مساوات طلبی اژدهاک می باشد، او ضمن اینکه وی را با شخصی اسطوره ای بنام کنتاوروس پیوریدا یکی می داند، می گوید "او (اژدهاک - پیوریدا) می گشت هیچکس نباید مالکیت شخصی داشته باشد بلکه همه چیز باید عمومی باشد..." ظاهراً از مندرجات شاهنامه فردوسی هم که حدود پنج قرن بعد از عهد خورنی به رشته تحریر در آمده، چنین نتیجه ای قابل اخذ می باشد. ولی این نظرات با شواهد تاریخی مطابقت ندارند و مسلماً زائیده نیازها و تضادهای طبقاتی و قومی آن زمانها بوده اند چه نه آن اژدهاکهای پیشین (خدا) - پادشاهان بابلی) و نه آستیاگ صاحب چنین عقیده و مرامی

منویده اند. فقط در مورد آستیاگ این را می دانیم که وی برخلاف خصم خویش یعنی کوروش سودای کشورگشائی نداشته است.

حال بر اساس معلومات فوق می توانیم کاوه آهنگر تاریخی را نیز شناسائی کنیم:

ابتدا باید گفت چنانکه شواهد تاریخی نشان می دهد هر دو نام و هنوان این فرد بعدها در عهد اشکانیان و ساسانیان پدید آمده اند. عده ای نام کاوه را ماخوذ از نام درفش گاو (گائوش) در فشه اوستا) می دانند و برخی دیگر از جمله کریستن سن ماخذ آترا درفش کیانی دانسته اند. ولی هنوان آهنگری وی، چنانکه از بیانات موسی خورنی بر می آید، در کارگاه آهنگران پدید آمده چه وی در یکجا می گوید: "پیرزنها نیز در باره او (آرتاباز) که بوضوح به جای اژی دهاک آمده نقل می کنند که او به زنجیرهای آهنین مفلول و در یک محازه محبوس است و دو سگ پیوسته زنجیرهای او را می چوند و او تلقی می کند تا بیرون آید و به زندگی عالم خاتمه دهد. لیکن می گویند که از صدای ضربتهای پتک آهنگران زنجیرها محکمتر می شوند لذا تا به حال هم بیشتر آهنگران به پیروی از آسانه روزهای یکشنبه سه چهار پتک به سندان می زنند تا زنجیرهای وی محکمتر شوند." در این رابطه گفتنی است که اسطوره اژی دهاک - فریدون در عهد اشکانیان و ساسانیان آنگذر معروف و جهانگیر بوده که به انجیل - مکاشفه یوحنا - نیز راه یافته و در آنجا از این اسطوره با اهمیت و ارزش فراوانی یاد شده است. اما از نوشته های هرودوت بوضوح معلوم می گردد که از کاوه آهنگر اسطوره ای در اصل همان هارپاگه تاریخی منظور می باشد؛ مطابق نوشته های هرودوت و دیودور سیسیلی، هارپاگه (به معنی لفظی رکابدار) که وزیر آستیاگ و فرمانده لشکریان وی بود، در زمان نبرد با لشکریان کوروش به طرف کوروش رفت و با همراهانش به جنگاوران وی پیوست. وی بعدها از سوی کوروش والی لیدیه گردید و یونیه را نیز برای کوروش فتح نمود. از آنجائیکه هرودوت ضمن بیان اسطوره آستیاگ - کوروش می گوید که فرزند هارپاگه را به دستور آستیاگ کشته و از گوشت او در میجمانی به پدرش هارپاگه خوراند و بعد سرودست و پای پچه را به پدر داده بودند، لذا معلوم و مسلم می گردد که منظور از کاوه آهنگر باید همین هارپاگه باشد ولی تصعبی بودن همین قسمت از خود اسطوره هارپاگه برای پدر تاریخ هم معلوم بوده چه وی در یکجا ضمن تعبیر فلسفی و اخلاقی تاریخ آستیاگ عقیده شخصی خویش را از زبان آستیاگ در مورد هارپاگه (کاوه) آهنگر ترون بعد) چنین بیان می کند "وی (هارپاگه) که قوم خویش (مادها) را به اسیری داده احمق ترین و بی وجدان ترین مردمان است."

منابع مورد استفاده: تاریخ ارمنستان موسی خورنی یشت ها پورداود تاریخ ماد دیاکونوف گزارش زادگاه زرتشت و تاریخ اساطیری ایران نویسنده نامه

ب. لاوین در مقاله "برنامه نوین" وحل مسأله ملی در ایران به نقد "برنامه نوین در راستای سازماندهی جنبش ملی - دموکراتیک" نوشته آقای فرج ممبینی که در نشریه اکثریت به چاپ رسیده پرداخته است. بعلم طولانی بودن مقاله و تصمیم به اجتناب از کوتاه کردن آن، مقاله به دو بخش تقسیم شده. قسمت نخست آن در شماره پیش به چاپ رسید. در زیر بخش دوم آن را ملاحظه می کنید.

برنامه نوین

وحل مسأله ملی در ایران

ب. لاوین

فرمانی نهند. آقای ممبینی از آنجا که دچار کشمکش درونی است می کوشد از این دایره تنگ پا فراتر نهد و بسوی درک حقیقت گام بردارد اما آنچنان نظر خود را مشروط به شرایط ناخوشایده و نتراشیده می کند که گام برداشته را ناکام کرده است. وی می گوید:

جنبش ما، بایابیندی ژرف به دموکراسی و نفی زور و قهر در مناسبات میان خلقها، حق هر خلقتی می داند که بدور از تحمیلات دولتی، حزبی و فرقه ای و بدور از مداخلات خارجی و برای و اراده آزادانه خویش، درباره پذیرش یا عدم پذیرش حکومت واحد، در چارچوب ایران دموکراتیک تصمیم بگیرد.

آنچنانکه از متن نوشته وی بر می آید او به طریقی به این اصل اعتراف کرده که ملل زبردست باید خود در مورد ماندن و نماندن با دولت مرکزی تصمیم بگیرند. اما با بمیدان کشیدن کلماتی چند نوشته خویش را بفرنج و مشروطیت نموده است و رای خود را بشیوه ای دو پهلوی بیان داشته است. به راستی منظور وی از ردیف نمودن تحمیلات دولتی، حزبی و فرقه ای و مداخلات خارجی در کنار هم چه می تواند باشد. خدای نخواسته و نکرده نباید هدفش این باشد که اگر ملتی زبردست با تشکیل سازمانی قوی، خواست مشروع خویش را برای رهائی از سلطه فارسها و تشکیل دولت مستقل ملی علم کرد این خلاف است و تحمیل حزبی و فرقه ای بشمار می آید. علاوه بر این "بدور از مداخلات خارجی بودن" شرط شناخته شده ای برای ملل زبردست ایران است. در هر لحظه و شرایطی اتمام وابستگی به خارج را می توان به یک جنبش راهی بخش ملی وارد نمود. پیاداست همانگونه که دول حاکم بر ایران حق طبیعی خود دانسته اند که مطابق منافع خویش با دول بیگانه رابطه بگیرند جنبش راهی بخش ملل تحت ستم ایران نیز (ویا هرملتی در جهان) این راحتی طبیعی و مسلم خود می داند که بمیل خویش و مطابق منافع ملی خویش با دول خارجی، احزاب خارجی و سازمانهای مختلف جهان مترقی روابط دوستانه برقرار نماید.

پیاداست که نویسنده هنگام نگارش این سطور تجربه ۱۹۴۶ را بفراموشی سپرده است. و پیادامی آورد که دولت فاسد ایران با همین اتمام رذیانه به ملل کرد و آتری هجوم آورد و جمهوری دموکراتیک کردستان و حکومت ملی آذربایجان را برانداخت و شریفتی فرزندان این ملل را بدار آویخت. از دیدگاه ملل زبردست ایران این مشروط نمودن ها به جز بهانه گیری برای در رفتن از وظایف ترقیخواهانه و گشایش راه فرار از حل مسئله معنای دیگری ندارد.

آقای ممبینی (امیر) بعد از این مقدمه متناقض که در بخش فارس گریایی و شونیزم به شدیدترین وجهی خود را می نمایاند و در بخشی بسوی درک درست حقایق گام برداشته اما به اصل نرسیده است، طرح خود را در ۷ بند بیان می کند، که در حقیقت بند هفتم مسئله ای جداگانه است.

این طرح روی هم رفته همان خود مختاری شناخته شده است که نویسنده تنها از ذکر نامش خودداری کرده است. آقای ممبینی با افشاری بر هم پیوندیها طرح خود را آغاز کرده و برخی از خواست های لحظه و کوتاه مدت ملل زبردست ایران را از قبیل برسمیت شناخته شدن زبان، تشکیل مجلس ملی، اداره امور داخلی و یکسان نمودن سطح رشد اقتصادی بیان کرده است.

در واقع این طرح چیز تازه ای ندارد. و بسیار زودتر از وی، حزب توده ایران و کاملاً از همه آنان حزب دموکرات کردستان چندین طرح ارائه داده اند و می توان گفت که در هر اق خود مختاری فوق بانندک تفاوتی پیاده شده است. آنچه که حقیقت دارد این است که چنین طرحهایی نمی توانند چاره ساز باشند. اگر چه این بندها بخشی از خواستهای ملل تحت سلطه ایرانند اما خواست اساسی همه آنان راهی ملی است. بعبارت دیگر خواست استراتژیک هر جنبش ملی نمی تواند فریاد این باشد. خود مختاری در عراق و وسیعتر از آن و بسیار منظمتر در شوروی نتوانست مسئله ملی راحل کند. با حذف نامش در ایران نیز نمی تواند کار ساز باشد.

رسیدن به این طرح، پیشرفت نویسنده را در جهت درک حقایق سد کرده است. در متن همین بقیه در صفحه ۳

آقای ممبینی در ادامه مقاله به طرح مسئله کرده می پردازد. البته وی در شرح مسئله کرد و نتیجه گیری هایش دچار آشفتگی آشکاری شده و مسائل را بدون دقت کنار هم قرار می دهد. وی در شرح ملل عقب ماندگی کردستان ضمن پافشاری بر هم پیوندیهای ژرف که ما آغازش را ذکر کردیم و مختصری از روند تاکنونی آن را بیان داشتیم، می گوید!

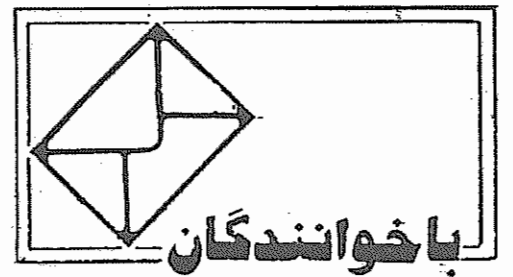
"در این میان خلق کرد، هلیرقم ممتازی و هم پیوندی تاریخی و فرهنگی آن با خلق فارس، بدلیل عقب ماندگی اقتصادی، شرایط نامساعد جغرافیایی، سطره ساختارهای قبیله ای و بدلیل مقاومت همه قومی کردها در برابر ستمگری حکومتهای ارتجاعی، آماج سرکوب شدید نظامی شده است."

او به این حقیقت نمی پردازد که عقب ماندگی اقتصادی کردستان نتیجه اشغال شدن آن توسط دول مختلف فارس و ترک و... بوده است. درباره ساختارهای قبیله ای باید گفت که تا زمان اصلاحات ارضی در سراسر ایران بقا و ساختارهای قبیله ای یکسان بوده اند. عامل مذهب نیز نقش چندانی در این سرکوب های نظامی نداشته است چرا که بخش شیعه نشین کردستان نیز همواره دچار این سرکوب ها بوده است. آنچه که اصل حقیقت است کرد بودن و ملت جداگانه بودن و نفع حکومتی وقت در اشغال کردستان عامل اساسی سرکوب نظامی بوده است.

اما درباره شرایط نامساعد جغرافیایی باید تذکر داد که کردستان بلحاظ شرایط جغرافیایی و ثروت طبیعی نه تنها نامساعدتر از کشور فارس نیست بلکه بمراتب شرایط مساعدتری از آن دارد. منابع زیرزمینی فراوان، شرایط مناسب کشاورزی و دامپروری رودخانه های فراوان که در دره های عمیق و جلگه های حاصلخیز کردستان جریان دارند عدم وجود بیابانهای لم یزرع و برهوت از قبیل کویر لوت و کویر نمک همگی حکایت اطلاعات قلم نویسنده دارند.

برای مثال نفت کردستان آترا از این لحاظ خود کفا می کند و با بستن سد بروی رودخانه های کردستان چندین برابر انرژی الکتریکی مورد نیاز میهن ما (کردستان) بدست می آید. اگر نویسنده بخاطر داشته باشد در زمان محمد رضا پهلوی بوکان انبار غله ایران نام داشت و کردستان قسمت مهم گوشه ایران را تامین می کرد. چقدر تند کردستان کفاف مایحتاج آترا می دهد. توتون کردستان کارخانه های سیگار سازی تهران را می گرداند...

آری آنچه که عدم رشد و عدم ترقی و عقب ماندگی ببار آورده دول حاکم بر ایران (بدون استثنا) بوده اند و سرکوب نظامی نه سیاست یک دولت بلکه سیاست کلیه این دول در کردستان بوده است. چرا که از نخستین روزهای اشغال کردستان حتی برای یک لحظه نیز جنبش راهی بخش ملی کرد خاموش نشده است. و این نیز امری طبیعی است که اشغال بدون سرکوب نظامی دوام نمی آورد. از همین رو نیز خمینی از همان روز اول که اکثریت قاطع مردم فارس پشتیبان وی بودند به ارتش در کردستان دستور داد که از تحویل سلاح و یادگانه ها به کرها خودداری کنند.



دموکراسی شما از چه نوع است؟

یکی از خوانندگان نشریه اکثریت در امریکا بنام آقای قلی حسین زاده، مقاله‌ای در پاسخ به مقاله "دموکراسی این آقایان" مندرج در شماره ۳۰۳ اکثریت، برای نشریه فرستاده و خواهان درج آن شده‌اند. با توجه به طولانی بودن مقاله رسیده، قسمت‌هایی از آن را برای درج برگزیده‌ایم.

آقای قلی حسین زاده مقاله خود را چنین شروع کرده است:

نشریه "اکثريت" ارگان چریکهای فدائی خلق، شاخه اکثریت، طی دو سه شماره خود، مطالبی پیرامون سخنرانی احمد شاملو درج نموده و اشاراتی هم به پاسخ‌هایی که افراد مختلف به سخنرانی شاملو داده‌اند کرده است. از جمله در مقاله‌ای تحت عنوان "دموکراسی این آقایان" به قلم مهرداد کیمیائی، که در شماره ۳۰۳ خود چاپ کرده است، چوب باریک و ظریفی برداشته و با "دموکراسی خاص" خود، نویسندگان آن مقالات، از جمله مخلص را نیز همراه بادیگر پاسخگویان به گفته‌های شاملو، در شمار سلطنت طلبها و ملی‌گراها و طرفداران ناسیونالیسم قلمداد کرده است. بدیهی است به آن قسمتی از مقاله که مرا ملی‌گرا و ناسیونالیست خوانده اصلا اعتراضی ندارم و بسیار هم خوشوقتیم که برخلاف طرفداران خیلی از گرایش‌های دیگر، اصلا به جهان وطنی و انترناسیونالیسم و یا بلاد اسلامی و امت مسلمان معتقد نبوده و ایمان به سرزمین آبا و اجدادی و وطن و میهن خود، ایران دارم. اما اشاره‌ام در این نوشته به دو نکته یا دو قسمتی است که در آن مقاله بچشم می‌خورد.

اول آنکه:

نویسنده محترم چه استنباطو برداشتی از مقاله من داشته که مرا هم با همان چوبی که در دست داشته رانده و معلوم نیست چرا مرا نیز در شمار سلطنت‌طلبان آورده‌است. آیا من در آن مقاله مطالبی نوشته‌ام دال بر طرفداری از سلطنت و مشروطه‌طلبی؟ اولاً تا یادم نرفته همینجا اشاره کنم که سلطنت‌طلبی و شاه‌دوستی، نه تنها صفت بدی نیست بلکه اگر کسی از صمیم دل، شاه و سلطنت را دوست داشته و این علاقه بخاطر آجیل مشکل‌گشای فردای من به سهم خود، برای چنین شخصی، احترامی فوق‌العاده قائل خواهم بود.

آقای حسین زاده سپس ضمن تشریح نقش دموکراسی در شناخت بیشتر گروهها و احزاب چنین ادامه می‌دهد:

اها سوالم آنست که شما از کجا پیش‌داوری کرده و مرا جزو سلطنت‌طلبها قلمداد کرده‌اید؟ اگر ملاک شما چاپ شدن مقاله بنده در کیهان لندن می‌باشد که در مقاله خود نیز تلویشی، اشاره‌ای به آن کرده‌اید، این موضوع

را برآورد، بنده فلام حلقه بگوش چنان حکومتی خواهم شد.

آقای حسین زاده آنگاه به بحث در مورد نظریه "در ایران سلطنت با دموکراسی در یکجا نمی‌گنجد" پرداخته و در ادامه مقاله خود در انتقاد به مقاله "دموکراسی این آقایان" می‌نویسد:

اشارات و نیش قلمجائی است که در سرتاسر مقاله به نویسندگانی که پاسخی به آقای شاملو داده‌اند زده‌اید. من با دیگران و اعتقادات آنان یا آنچه نوشته‌اند کاری ندارم، اما چون خود مسئول و پاسخگوی نوشته‌هایم می‌باشم، از شما یا نویسنده مقاله "دموکراسی این آقایان" می‌پرسم، در سرتاسر مقاله‌ای که من نوشته‌ام، کجا به آقای شاملو توهین و بی‌احترامی و متک حرمت شده‌است که در مقاله آورده‌اید "کوششی که در مقالات یاد شده در جهت متک حرمت از شاملو به عمل آمده، در این محافل (محافل فرهنگی و هنری ایران) واکنش‌هایی از تاسف تا خشم و انزجار به همراه داشته‌است" آیا جز اینست که در نوشته‌ام از سر اعتقاد و نه راضی نمودن این یا آن، و یا "محافل فرهنگی و هنری ایران"، او را "شاعر گرانقدر" و "فنیست زنده شعر معاصر"، "معمار شعر نو"، "ادامه دهنده راه نیما" و... نامیده‌ام؟ اصلا اگر شما به دموکراسی معتقدید چرا مقاله‌ام را در نشریه خود نمی‌آورید تا خوانندگان شما خود قضاوت کنند نه آقای مهرداد کیمیائی و دیگران بجای خوانندگانتان قضاوت کرده و رای داده و نام آترا هم دموکراسی بگذارند؟

آقای حسین زاده ضمن دعوای به خویشتن‌داری در مبارزه قلمی و دوری از شیوه‌های اتهام‌زنی چنین ادامه می‌دهد:

از سوی دیگر، چگونه است که در دموکراسی شما، آقای شاملو میتواند در مقابل چند هزار نفر به فردوسی، با پشتوانه‌ای هزار ساله، توهین کرده و ضمن پیشنهاد بسیار خوب و منطقی‌اش مبنی بر دعوت از محققین و دانشجویان در مورد بررسی و یافتن حقایق در مورد هر آنچه که به آنان رسیده و از جمله مطالب شاهنامه، فردوسی را به سخریه گرفته و طی سخنرانی "ادبیانه‌ای" او را با القاب از قبیل "ابوالقاسم خان" و "کلکزن" و "خطاب کند اما وقتی بنده صدای اعتراض را بلند میکنم و میگویم آقای شاملو با تمام احترامی که برای شما قائلم و با تمام ارزشی که شما برای ادبیات ما داشته‌اید و دارید اما به عنوان یک ایرانی که به مآخرفرنگی و ادبی خود میبالد، به شما اجازه نمیدهم این گونه سخیف، بی‌پروا و دور از ادب، از پیر یا کنه‌دلسوس نام برید، آنوقت این مطلب به پر تپای شما و نویسندگان مقاله برای شما برمیخورد و "دموکراسی آنگونه ما آقایان" را بیاد انتقاد میگیرید و آترا "منازهه فیرادبیانه" مینامید؟ با این حساب اگر کسی فردا در سخنرانی خود، به ابوالفضل بیهقی، پدر تاریخ ایران که مجتویات کتابی که از او باقیمانده، سراسر شرح حکومت پادشاهان ترک نژاد، علی‌الخصوص سلطان مسعود فرزونی و خلفای عرب میباشد، توهین کرد و او را مثلا دغلیاز، لیچارگو، بیگانه‌پرست و در یوزه نامید، دیگر بنده و دیگران باتوجه به آن نوع دموکراسی که نویسنده

مقاله نشریه شما به آن معتقد است، ناپستی جرئت اهترض به چنین کسی را داشته باشیم که مبادا ما را به سلطنت‌طلبی، آنهم از نوع ترکان ماوراءالنهری آن، و یا طرفداری از خلفای بدکاره عرب، و یا "منازهه فیرادبیانه" متهم نموده و... اگر دموکراسی ما آقایان، آنی است که نویسنده مقاله شما ذکر کرده، دموکراسی شما آقایان هم اینگونه است؟ بایست خاموش ماند و از بیم آنکه مبادا نشریات چپ، ما را متهم به سلطنت‌طلبی بکنند، اجازه داد که به بزرگان فرهنگ و ادب این سرزمین که این اندازه مورد علاقه ملت ایران در تمام سده‌های گذشته بوده‌اند توهین کنند؟ زهی بی‌انصافی است!

من انتقاد از نحوه صحبت و سخنرانی آقای شاملو و کم بجای خود دادن استاد طوس و کار عظیم او بوده است. از قرار بی‌پروا صحبت کردن و بی‌احترامی به دیگران خصیصه آقای شاملو شده و یا بوده‌است و ما از آن بی‌خبر، چرا باید آقای شاملو اینگونه صحبت کرده و اینسان از کسانی که به طرز صحبت او ایراد گرفته‌اند، پاسخ دهد: "لااقل صمیمیت مردی را که حرفی میگوید، درک کنیم. مثل سگ دمی نباشیم که وقتی بوی فربه و یا صدائی که برای او آشنا نیست میشنود، دیگر مهار ندارد و اختیار از گفش‌ها میشود" آنوقت شما از این نوع طرز فکر و این لحن گفته دفاع میکنید و کسانی را که سعی در دفاع از فردوسی، پیر هزارساله کرده‌اند، متهم به "کیش شخصیت" میکنید؟ بردارید و یکبار دیگر مقاله "موسیقی سنتی، این حرفه سیاه" را که آقای شاملو در پاسخ مقاله آقای محمد رضا لطفی نوشته‌اند بخوانید. هنگامی که شاعر گرامی موسیقی سنتی ایران را "عهره" میخواند و محمدرضا لطفی پاسخی در خور و مودبانه به او میدهد، آنوقت شاعر گرامی خشمگینانه، چنین جواب میدهد: "اما حالا که ایشان پرده را دریده‌اند و مرا به دفاع از نظریات خودم واداشته‌اند، گوی و میدان! اکنون که قرار شده است شمشیر را از رو بپندیم، بسیار خوب، بگرد تا بگردیم". البته شما وکیل مدافع آقای شاملو نیستید و الحمدالله ایشان زنده و حی حاضر میباشند، اما آیا اینگونه باید باشد برخورد با حماسه‌های ملی، بزرگان فرهنگی، تاریخ اسطوره‌ای و موسیقی سنتی و پاسخگوئی به انتقادات؟

نویسنده مقاله خود را با این جملات به پایان می‌برد:

این ملت ایران است که حافظ و پاسدار بزرگان تاریخ و فرهنگ و ادب چندین صدساله خود میباشد و به همین منظور بود که من در آن مقاله آورده بودم، بواسطه توهین و بی‌احترامی به فردوسی، این ابر مرد اسطوره‌ای فرهنگ ایران زمین "آقای شاملو شمایک پوزش به ملت ایران مدیون هستید" و هنوز بر سر این اعتقاد هستم.

با آرزوی سربلندی ملت ایران و سرمدی بودن ایران زمین، سختم را پایان می‌دهم.



پس از تغییراتی که در جهت باز کردن فضای نشریه اکثریت و تقویت دموکراسی در خط مشی کلی آن بوجود آمد، ارتباط خوانندگان با نشریه تقویت شده است. خوانندگان مختلف با فرستادن مقالات، ترجمه‌ها و نامه‌های گوناگون برای "اکثريت" از این تغییرات استقبال کرده و به فضای نشریه یاری رسانده‌اند. طی دو ماه اخیر دلیل تدارکات و برگزاری کنگره، متأسفانه بر خورد فعال با نامه‌های رسیده ممکن نشد. طبقا نشریه اکثریت بدلیل حجم و امکانات محدود خود نخواهد توانست همه مقالات و نامه‌های رسیده را بطور کامل به چاپ برساند، اما از این پس خواهد کوشید تا فرستندگان مقالات و نامه‌هایی را که به دلایل متعدد امکان چاپ آنها در نشریه وجود ندارد، در ستون ویژه‌ای از رسیدن نامه‌هایشان مطلع سازد و حتی امکان توضیح مختصری از نامه‌های رسیده را درج کند.

این کار را از همین شماره آغاز کرده‌ایم و امیدواریم قدمی باشد در جهت انعکاس گسترده‌تر نظرات خوانندگان ارتباطی‌تر آنان با نشریه و تشویق به همکاری با اکثریت از طریق ارسال مقاله، ترجمه، خبر، انتقاد و پیشنهاد.

* دوستی به نام روشن از امریکا، مقاله‌ای در پاسخ به مقاله "مسئله اصلی در سازمان ما و در جنبش چپ دموکراتیک، مندرج در نشریه شماره ۳۰۷ برای ما ارسال داشته و انتقاداتی، پیرامون این مقاله مطرح نموده است. وی در بخشی از مقاله خود نوشته‌است: "در مقاله مورد بحث تقریباً پای همه موضوعات مورد هلاکت جنبش چپ ایران به میان کشیده شده‌است، از دموکراسی، عدالت اجتماعی، استالینیسم، نوآندیشی، راه رشد، آینده و گذشته سوسیالیسم، ایدئولوژی، مارکسیسم، هژمونی، مرکزیت دموکراتیک، موازین تشکیلاتی و... صحبت شده است بدون اینکه نویسنده حتی در یک مورد اساس نظر خودش را مطرح کرده باشد."

* حجت پ نامه کوتاهی در انتقاد از سلطنت‌طلبان نگاشته و هشدار داده است نباید "به‌افراد و نیروهای مشروعیست و حقانیت همیم که خادمان زر و زور بیش نیستند و مردم سالهاست آنها را کنار زده‌اند." وی در مقدمه‌ای پیرامون نوشته خود توضیح داده است که این نوشته "بنا به خواهش دوست و رفیق متعهدم از اصفهان می‌باشد که هم در خصوص (پیرامون بیانیه...) خبر داشت و هم بر خورد آقایان با شاملو اصرار داشت بگویم که در درون مرز به هیچ عنوان هلاکتی به بها دادن به این آقایان فدائیان راندارند."

* دوستان رضایی از کانادا مقاله‌ای با عنوان "اساسنامه خود برنامه‌است" برای ما فرستاده و در آن به اهمیت تدوین اساسنامه پرداخته است. وی نوشته است: "مروز در سازمان ما، افراد با برداشت‌های متفاوت از مسایل برنامه‌ای ولی استنباط مشترک از موازین زندگی درون سازمانی (ساختار سازمان) و برون سازمانی بیشتر می‌توانند با هم احساس یگانگی داشته باشند تا العکس!" وی سپس سوالات و کاتی پیرامون پذیرش بلورالیزم ایدئولوژیک و یا حذف ایدئولوژی از اساسنامه، رابطه بین حقوق و اختیارات و وظایف و مناسبات بین تشکیلات خارج و داخل مطرح کرده‌است.

* خواننده گرامی شاهین، از یونان مقاله‌ای بنام "واقعیتی بنام حرف آخر" برای ما فرستاده و ضمن مخالفت با هرگونه نزدیکی با سلطنت‌طلبان نوشته‌است: "مقاله حرف آخر، رفیق مهدی خسروشاهی در نشریه اکثریت شماره ۳۱۲ هشدار می‌دهد جدی اما قابل بحث به تمام اعضا و هواداران سازمان، راستی رفقا با چه تحلیل منطقی و دیالکتیکی بسوی ائتلاف با سلطنت‌طلبان می‌رویم؟ آیا برای فتن به این سنگر جدید از گذشته هجا مانده، به سالهای گذشته نه

چندان دور خود نظر انداخته‌ایم؟ آیا سالهای ۵۸ تا ۶۰ را بیاد می‌آوریم؟"

* آقای کاوه ابراهیمی مقاله بسبب پیرامون تحولات اخیر کشورهای اروپای شرقی بنام "شرق پس از یک آزمون تاریخی" تدوین کرده و برایمان فرستاده‌اند. نویسنده سه محور را در رویدادهای کشورهای مذکور موثر دانسته و این سه عامل را چنین بر شمرده است: ۱- تضادها و پارادوکسهای موجود در اندیشه و عمل مارکسیسم - لنینیسم، ۲- تشدید بحران همه‌جانبه اجتماعی به موازات رشد جنبش دموکراسی در اتحاد شوروی و تاثیر آن بر سایر کشورها، وجود و نفوذ رشد خورای و تبعیض و افشای برخی از این موارد. ۳- موفقیت جهان سرمایه‌داری در ارایه اروپای غربی به عنوان سمبل جامعه سرمایه‌داری و انترناتیو سوسیالیسم و به‌همراه آن برتری عظیم اقتصادی سرمایه‌داری بر سوسیالیسم" نویسنده، مقاله خود را به بررسی محور اول اختصاص داده و مسایلی مانند تضاد میان آرمان، اندیشه و عمل، انحصارگرایی در دانستن حقیقت، جزم‌گرایی در اندیشه مارکسیستی، انحصار قدرت سیاسی و مخالفت با دموکراسی، اقتصاد متمرکز و بورکراتیک را مورد بحث قرار داده‌است.

* مقاله مزبور که از انسجام درونی برخوردار بوده و بر روی آن کار شده است متأسفانه تاخیر زیاد برای چاپ به دفتر نشریه رسید. ضمن پوزش از نویسنده آن، خواهان ادامه همکاری ایشان با نشریه و ارسال مقالات جدید هستیم.

* نامه‌های دیگری شامل خبر، انتقاد و پیشنهاد و هم چنین مقالاتی که قبل از کنگره در مورد وظایف و نقش کنگره نگاشته شده به دست ما رسیده است از جمله نامه‌های گیلک از آلمان، ق، صدی از هامبورگ (آلمان)، بهرام از مونیخ (آلمان)، خواننده‌ای با نام مستعار T، و هم چنین دوستان اکبر. هم چنین ترجمه مقالات زیر به دست ما رسید:

* پرواز ققنوس از خاکستر تبعید، مترجم - امیر، این ترجمه، مربوط به مصاحبه گزارشگر روزنامه "نویس" از ویچلاند" با جواسلو دبیر کل حزب کمونیست افریقای جنوبی می‌باشد.

* دوست عزیز، خانم افسانه بهروز!

با تشکر از ارسال مطلبی درباره موسیقی و با پوزش از

مراسم میلیونی

انتقال جنازه سالوادور آلنده



روز دوشنبه ۳ سپتامبر، جنازه سالوادور آلنده به گورستان مرکزی سانتیاگو، پایتخت شیلی منتقل شد. مراسم انتقال جنازه وی، با شرکت بیش از دو میلیون نفر صورت گرفت و یکی از بزرگترین اجتماعات تاریخ معاصر جهان بود. جسد آلنده که در سال ۱۹۷۳ و در جریان کودتای نظامیان شیلی به قتل رسیده بود، تاکنون بی نام و نشان در گورستانی خانوادگی در وینال مار مدفون بود. در مراسم تدفین مجدد آلنده، دوستان وی، مارکسیستها، سوسیالیستها و تعداد کثیری از سایر سیاستمداران، از جمله پاتریسیو آلوین، رئیس جمهور سوسیال دموکرات شیلی نیز شرکت داشتند.

گریزاز ارتش در آمریکا

خون به خاطر نفت؟ نه!

وقتی که سربازان آمریکایی در صحرای جنوب غربی عربستان را بر روی صفحه تلویزیون می بینید که مریزبان سلاحهایشان را پاک می کنند و به تمرین مشغولند، گمان میکنی که مردان و زنان سرسختی هستند که بی صبرانه منتظر فرمان حمله اند. این به هیچ رو تمامی واقعیت نیست. گروههای هوادار صلح و سازمان های مشاوره برای گریز از خدمت سربازی آن روی دیگر سکه این نمایش تبلیغی را بیان می سازند: در هفته های اخیر صدها نیروی ذخیره، سرباز و واستگان آنها با سازمانهای مخالف جنگ تماس گرفته اند تا در مورد نحوه اجتناب از خدمت سربازی و ترک پیش از موقع ارتش کادر کسب اطلاع کنند. عده اندکی تصمیم نهایی شان را گرفته و از فرمان بسیج سربازی سرپیچی کرده اند. در هاوایی جفری پاترسن گروه بان نیروی دریایی از فرمان گسیل توضیح این سرپیچی اعتراض کنان می گوید که حاضر نیست "به خاطر منافع آمریکا و نفت ارزان" بجنگد. در کالیفرنیا یک سر جوخه اعلام داشته است که "نمی خواهد به خاطر نفت راهی جبهه جنگ شود". یک سرباز مسلمان مستقر شده در کنتاکی نیز به دلایل عقیدتی حاضر نیست به روی مسلمانان تفنگ بکشد. در مورد تعداد کل کسانی که از خدمت جنگی سر باز زده اند، آمارهای ارائه نشده است. در ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۷۳ خدمت نظام اجباری نیست. ارتش از سربازان حرفه ای تشکیل شده است. در "سالهای هادی" صدها سرباز به دلایل عقیدتی تقاضای انصراف از خدمت می کنند. اما

ریشکوف

تحت فشارهای فزاینده

گاوریل پوپوف، صدر شورای شهر مسکو، طی سخنانی در مقابل پارلمان روسیه اعلام کرد که هفته آینده در اجلاس پارلمان شوروی، تقاضای برکناری نخست وزیر و دولت شوروی طرح خواهد شد. او خواستار آن شد که از این تقاضا حمایت شود.

نیکولای ریشکوف، نخست وزیر دولت مرکزی شوروی، مدتی است که در مرکز انتقادات قرار گرفته است. علت این انتقادات بیش از همه آن است که وی مسئول وخامت اوضاع اقتصادی اتحاد شوروی و توقف کوشش های شناخته می شود که برای انجام رفرم صورت می گیرد. پوپوف در ادامه سخنان خود از کمبود نان و توتون سخن گفت. وی گفت کوشش هایی که برای تنظیم قیمت ها بر اساس مناسبات بازار صورت گرفته و

کناره گیری

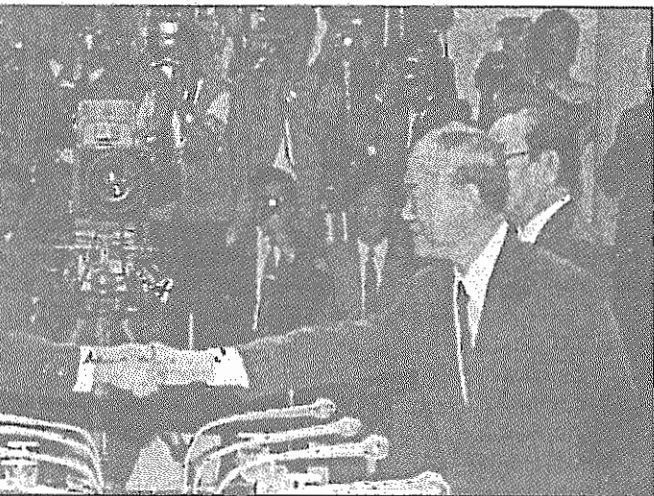
لادیسلاو آدامک

لادیسلاو آدامک، نخست وزیر سابق چکسلواکی، در روزهای اول ماه جاری میلادی از صدارت حزب کمونیست چکسلواکی کناره گیری کرد. سیاستمدار ۶۳ ساله که رهبری آخرین دولت حاکم کمونیست چکسلواکی را برعهده داشت، وضع سلامتی خود را به عنوان دلیل این اقدام عنوان کرد. آدامک از چهره های برجسته رفرمیست حزب کمونیست چکسلواکی بود.

جنگ "می گوید بسیاری از سربازان "به این دلیل ساده که از جنگ می ترسند"، می خواهند از صفوف ارتش خارج شوند. بعضی دیگر اعلام می کنند که حاضرند از آمریکا "دفاع" کنند، اما نمی خواهند "به ازای نفت، خون بدهند". در سالهای قبل وزارت دفاع آمریکا با ۷۵ درصد تقاضاهای خروج پیش از موقع از ارتش به دلایل عقیدتی موافقت می کرده



ایجاد یکارگان ویژه برای پیشبرد رفرم های اقتصادی جانبداری نمود. میخائیل گارباچوف در اظهار نظری پیرامون دو طرح اقتصادی (طرح رادیکال - رفرمیست ها



ملاقات تاریخی روسای دولت های دو کره

یکی از آخرین کانون های تجلی این سیاست نیز آسیب پذیرتر خواهد شد. در پایان این ملاقات تاریخی موارد توافق هیئت های نمایندگی بدینگونه اعلام شد: ۱- دو کشور از حرکت نظامی علیه یکدیگر خودداری خواهند ورزید. ۲- بین سران نظامی دو کشور ارتباط تلفنی برقرار می شود. (بین روسای جمهور دو کشور ارتباط تلفنی برقرار است). ۳- به کارزار تبلیغاتی علیه یکدیگر پایان داده می شود.

برای نخستین بار پس از جدایی دو کره روسای دولت های دو کشور با یکدیگر ملاقات کردند. با از سرگیری مذاکره بین رهبران طراز اول دو کره که مناسبات آنها تا به امروز تابعی از سیاست جنگ سرد بوده است، است. سازمانهای طرفدار صلح معتقدند که در صورت بروز درگیری مسلحانه در خاور نزدیک تعداد سربازان فراری و کسانیکه از خدمت اجباری سر باز می زنند، سربعا افزایش یابد. در طول جنگ ویتنام دهها هزار از کسانی که می بایست به خدمت اعزام شوند به خارج می گریختند و دهها هزار نفر از سربازان از ارتش فرار می کردند.

اخبار کوتاه جهان

روز ۷ سپتامبر، سزار گاویریبا، رئیس جمهور کلمبیا در صحنه تلویزیون این کشور ظاهر شد و قاچاقچیان مواد مخدر را به تسلیم به دولت فراخواند. وی اعلام کرد که بر اساس تصمیمات اخیر دولت، آن دسته از قاچاقچیان مواد مخدر که خود را داوطلبانه تسلیم دولت کلمبیا کنند، تحویل ایالات متحده نخواهند شد و از پرداخت یک سوم جریمه مفرط معاف خواهند گردید. میزان این معافیت در مورد افرادی که اطلاعاتی تسلیم دولت نمایند که در مبارزه با قاچاق کوکائین مهم واقع شود، تا نصف مبلغ جرایم افزایش خواهد یافت.



برهبری یلتسین و دولت شوروی رفرمیست ها "برنامه واقع بینانه ای برای گذار به اقتصاد بازار" پیش نهاده اند. ولی دولت نیز "برزویای مهمی کار کرده است".

یلتسین در بخشی دیگر از سخنان خود گفت که شورای ریاست جمهوری تحت نظر گارباچوف باید جای خود را به شورای متشکل از روسای جمهور جماهیر مستقل بدهد. یلتسین اعلام کرد که بر اساس قانون اساسی جدید روسیه، که در پارلمان این جمهوری به شور گذارده خواهد شد، پست ریاست جمهوری تثبیت خواهد شد و بزرگترین جمهوری شوروی در قانون اساسی جدید، دولتی بر اساس پرنسپب های یک دولت حقوقی اجتماعی خواهد بود.

۴- فیر نظامی کردن واقعی "منطقه فیر نظامی" به اجرا در می آید. ۵- مجادله اطلاعات بین دو کره برقرار می شود. در گفتگوهای دو هیئت نمایندگی مسائل جدی مورد مازحه یعنی حضور نیروهای آمریکایی در کره جنوبی، مسئله کرسی نمایندگی کره در سازمان ملل متحد و رفت و آمد آزادانه دو کشور نیز مورد بررسی قرار گرفت ولی هیچ گونه توافق بر سر آنها امکان پذیر نشد.

AKSARIYAT NO. 318 MONDAY 10. Sep. 1990 Address: آدرس: RUZBEH POSZFACH 1810 5100AACHEN W. GERMANY

اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln W. GERMANY